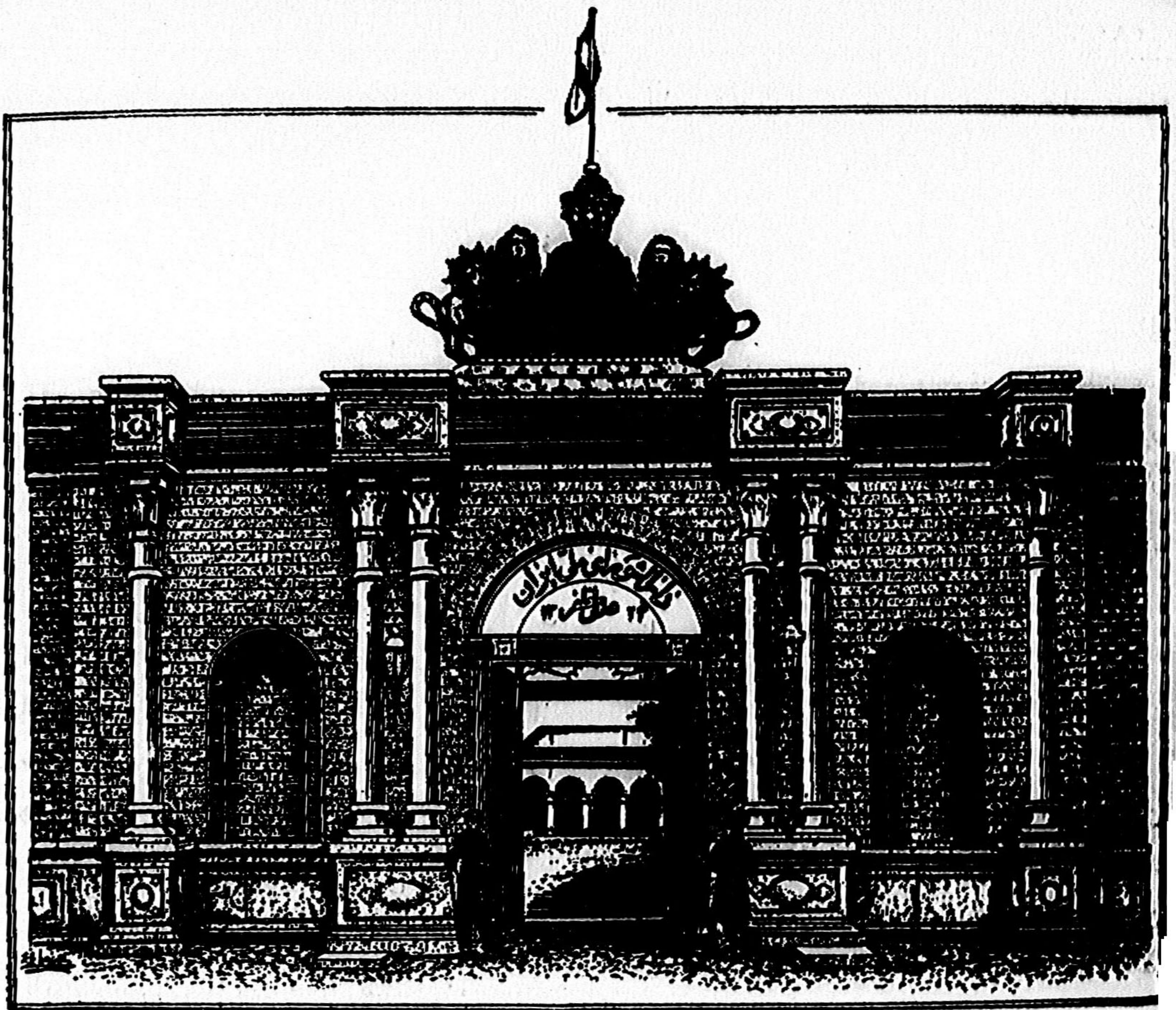


دوره ششم تصنیفیه

جلسه ۲۲۵	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۱۹۰
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه ليله سه شنبه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۷ رمضان المبارک ۱۳۴۶	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کتبه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس	قيمة اشتراك داخله ايران سالانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قيمة تک شماره يك قران

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب سرخصی آقای امام جمعه تبراز - حیدری مکرزی - آیه الله زاده خراسانی	۳۹۹۶	۳۹۹۷
۲	مذاکره نسبت به لایحه دران راجع بخرید کشتی و استخدام متخصص و مهندس بحریه و تصویب آن	۳۹۹۷	۴۰۰۴
۳	بقیه مذاکره نسبت بخرید کشتیون فواین عدلیه راجع به لایحه حکمت و تصویب آن	۴۰۰۶	۴۰۲۱
۴	قانون حکمت	۴۰۲۳	۴۰۲۶
۵	قانون دویست هزار تومان اعتبار برای خرید کشتی مساج و اجازه استخدام صاحبمنصب و مهندس میکالیکچی بحریه از ایتالیا	۴۰۲۶	



مذکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس ليله سه شنبه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۷ رمضان المبارک ۱۳۴۶

جلسه ۲۲۵

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقابان: مرتضی قلیخان بیات - باسانی - آفغانی زارع
پالیزی - قوام شیرازی - محمد تقی خان اسعد - نوبخت
طباطبائی و کلبی - صادق خان خواجوری - امامی خوئی

(مجلس سه ساعت و ربع از شب گذشته ریاست
ای مرتضی قلیخان بیات نایب رئیس تشکیل گردید)
(صورت مجلس ليله ۲۸ اسفند را آقای بنی
سالمیان قرائت نمودند)

جوانشیر - زنکنه

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: شیروانی - محمد ولیخان اسدی - اعظمی - مهدوی - حاج حسن آقا ملک - میرزا حسنخان وثوق محمود رضا - دیوان بیگی - حاج غلامحسین ملک در آمده با اجازه جلسه قبل

آقای جیشیدی مازندرانی

در آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: شریعت زاده - افخمی

نایب رئیس - آقای امامی

امامی - عرض کنم آن طوریکه بنده شنیدم آقای دیوان بیگی را غائب بی اجازه نوشته بودند در صورتیکه ایشان بواسطه مسافرتی که برایشان پیش آمده بود از مقام ریاست توسط بنده استعجازه کردند تقاضا دارم اصلاح شود

نایب رئیس - با صورت جلسه مخالفی نیست؟

(گفتند - خیر)

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد

وزیر مالیه - يك لایحه است تقدیم میشود برای تقاضای اعتبار برای اجرای قانون خالصجات انتقالی چون آن قانون را که آقایان تصویب فرمودند مقرر داشتند که از ۳۰۷ مالیات اربابی گرفته شود لازمه گرفتن مالیات اربابی ممیزی کردن است و ممیزی کردن هم اعتبار میخواهد بعد از آقایان محترم میخواستم تقاضا کنم که با توافق نظر همکار محترم خودم آقای وزیر عدلیه یکی از لوابجی را که دیشب بنده تقدیم کردم و تقای فوریت کردم آنکه راجع به کشتی است تقاضا کنم (آقای وزیر عدلیه هم با بنده موافق هستند) که در دستور مقدم باشد و بعد از آن لایحه حکمیت مطرح شود ولی از آقایان استدعا میکنم که موافقت فرمایند در خوانده مجلس آن لایحه دیگر بنده هم مطرح شود

نایب رئیس - با ورود در دستور مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)

نایب رئیس - خبر از کمیسیون عریض و مرخصی (بشرح ذیل قرائت شد)

نماینده محترم آقای امام جمعه شیراز از ۱۲ آذر الی ۱۲ من غائب بی اجازه بودند شرحی بر علت عدم حضور خود بمقام منبع ریاست عظمی عرض کمیسیون نیز در روی همان تقاضا نامه مطالعات نموده و عنذرا ایشان را موجه دانسته مرخصی دو ماهه ایشان را تصویب اینک خبر آنرا تقدیم مینماید

نایب رئیس - آقای رفیع

رفیع - راجع باین مسئله عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده عرضم نه این است که باین خبر مخالفت کنم بلکه میخواستم استدعا کنم که این جلسه را با این لوابج مهمی که در دستور هست به گذرانیدن خبر مرخصی نگذرانیم و مرخصی ها را در جلسه بعد از عید يك مرتبه تمام کنیم و امشب يك کاری برای مملکت کرده باشیم و وقتی که از مجلس بیرون میرویم بدانیم که يك کاری شده است بعقیده بنده بحر پیمائی مهمترین چیزها است بنده این عرض را داشتم

نایب رئیس - راجع به مخالفت با این خبر نبود رای میگیریم به خبر کمیسیون آقایانیکه موافقت فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد میفرمائید وارد دستور شود

نایب رئیس - بفرمائید

دادگر - بنده استدعا میکنم خبر راجع به مرخصی آقای حیدری را هم قرائت فرمایند بعد وارد دستور شود

نایب رئیس - خبر مرخصی آقای حیدری (بمضمون ذیل خوانده شد)

نماینده محترم آقای حیدری مکری از اول اردیبهشت دو ماهه مرخصی خواسته اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آنرا تقدیم مینماید

نایب رئیس - آقای رفیع

رفیع - مخالفی ندارم

نایب رئیس - مخالفی نیست؟

[گفته شد - خیر]

نایب رئیس - رای میگیریم به این خبر کمیسیون آقایان موافقت قیام فرمایند

[اکثر برخاستند]

نایب رئیس - تصویب شد خبر مرخصی آقای آیه الله زاده خراسانی

(باین نحو خوانده شد)

نماینده محترم آقای آیه الله زاده خراسانی از تاریخ ۲۲ اردیبهشت سه ماهه اجازه مرخصی خواسته بودند کمیسیون با درماه آن موافق اینک خبر آنرا تقدیم مجلس نماید نایب رئیس - مخالفی نیست؟

(نمایندگان - خیر)

نایب رئیس - آقایان موافقت با این خبر قیام فرمایند

(عده زیادی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد لایحه راجع بخرید کشتی مطرح است

(این نوع خوانده شد)

ساحت محترم مجلس شورای ملی: نظر باینکه حفاظت خلیج و سواحل از وظایف دولت و بابتی توجه بیشتری در آئیه نسبت باین امر منظور گردد و نظر باینکه در سواحل خلیج فارس اجناس قاچاق انحصاری روز

روز در نزاید بوده و اداره کل کمرکات با وسابیل موجوده فعلی قادر نیست که از قاچاق مزبور کاملاً جلوگیری کند و از این حیث همه ساله مبالغ کلي خسارت متوجه خزانه دولت و نجات صحیح العمل می گردد.

و نظر باینکه دولت برای اداره کردن و نگاهداری کشتی هاییکه در خلیج ایران دارد با ممکن است در آئیه خریداری شود متخصص کافی ندارد و شاید تا چندی هم زیادت چنین متخصصی در داخله ایران فراهم نگردد لذا لازم است که از یکطرف بر عده کشتی های موجود فعلی افزوده و از طرف دیگر متخصص ماهری از خارجه استخدام شود. نظر بمراتب فوق مواد ذیل پیشنهاد و تقاضای تصویب آن میشود

ماده ۱ مجلس شورای ملی مبلغ دوست هزار تومان از عواید سنه ۱۳۰۷ بدوات برای مخارج ذیل اعتبار می دهد

الف - خرید کشتی مسلح برای حفاظت سواحل خلیج ب - تعمیر کشتی های موجوده

ماده ۲ - دولت مجاز است يك نفر صاحب منصب بحریه و يك نفر مهندس میکانیکیچی از اتباع دولت ایتالیا برای مدت سه سال استخدام نماید و حقوق آنها جمعاً از يكصد و پنجاه هزار تومان نباید تجاوز کند برای خرج مسافرت هر يك از آنها ایاباً و ذهاباً چهار هزار قران پرداخته خواهد شد

تبصره - دولت مجاز است حقوق ۱۳۰۷ متخصص مزبور و خرج ایاب آنها را از محل دوست هزار تومان تصویب

ماده اول پرداخت ر برای سنوات بعد اعتبارات لازمه را برای این مخارج در بودجه هر سال منظور دارد

ماده ۳ - وزارت مالیه و وزارت جنگ مأمور اجرای این قانون هستند

نایب رئیس - نظر باینکه فوریت از طرف دولت تقاضا شده است بدو فوریت مطرح است . آقای رفیع

آقای رفیع - موافقم نایب رئیس - آقای اعتبار

اعتبار... موافقم
 بعضی از نمایندگان مخالفی ندارد
 نایب رئیس - رأی میگیریم به فوریت این لایحه آقایانیکه موافقت قیام فرمایند
 (عده زیادی برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد. شور در کلیات است.
 آقای رفیع
 رفیع - موافقم
 نایب رئیس - آقای دادگر
 دادگر - موافقم
 نایب رئیس - آقای استرابادی

استرابادی - بنده اساساً با این لایحه مخالف نیستم و موافقم ولی خواستم تحت عنوان مخالفت يك توضیحی بخواهم که اختصاص خرید کشتی برای خلیج فارس بجه مناسب است

بعضی از نمایندگان - رای جلوگیری از قاچاق استرابادی - میدانم برای قاچاق است لایحه را هم شنیدم و موثوعی را که اهمیت داده اند موضوع قاچاق است ولی بنده تصور میکنم که يك چیزهای دیگر را هم نمیشود اهمیت نداد. البته خلیج فارس خیلی اهمیت دارد ولی قسمت شمالی و بحر خزر هم تصور میکنم از يك جهات دیگری (نه از قسمت قاچاق) از يك جهات دیگری بی اهمیت نباشد. بنده خواستم به بدین برای قسمت شمالی هم در نظر دارند لایحه بیاورند یا به کلی از سمت شمالی و بحر خزر صرف نظر کرده اند؟ اگر از بحر خزر صرف نظر شده است و کشتی لازم ندارد برای چه؟ و اگر خیر بحر خزر هم جزء این اعتبار است که مخالفتی ندارم

وزیر مالیه - اگر این قسمت اخیر فرمایش آقای استرابادی نبود بنده از اظهارات ایشان خیلی تشکر میکردم ولی این قسمت اخیرش اصلاً عبوات خوبی نبود صرف نظر

کردن یعنی چه ؟

استرابادی - مقصود از خرید کشتی حالا وزیر مالیه - هر کاری باید موقع خودش بشود ما خیلی احتیاجات داریم آنها را باید مرور رفع کنیم پنجسال قبل شش سال قبل از این کشتی برای خلیج فارس هم نمیخواستیم بخریم ولی حالا لازم شده است خرید شده و فردا هم برای دریای مازندران و خلیج استراباد و همه اینها خریده میشود
 جمعی از نمایندگان - صحیح است
 نایب رئیس - آقای عراقی
 عراقی - موافقم
 نایب رئیس - مخالفی نیست ؟
 فیروز آبادی - بنده مخالفم
 نایب رئیس - بفرمائید

فیروزآبادی - چند سال قبل چند کشتی بجهت ایران خریده شد کشتی ناصری و کشتی مظفری این کشتیها در اثر مواظبت نکردن یا غرق شد یا بکلی از بین رفت بنده خواستم عرض کنم که انشاء الله اگر بنا شد حالا کشتی خریده شود مثل آنها نشود و يك ترتیبی بشود که دوپست هزار تومان که برای این کار خرج میشود دو باره بعد از چند سال دیگر معلوم نشود که بکلی معدوم شده است و چیزی ازش نمانده است و يك طریقی بشود که غیر از ترتیب سابق باشد. مخالفت بنده برای این بود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
 نایب رئیس - رای گرفته میشود به شور در مواد آقایان موافقت قیام فرمایند
 (اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. ماده اول [بمحو ذیل خوانده شد]

ماده ۱ - مجلس شورای ملی مبلغ دوپست هزار تومان

از عوائد سنه ۱۳۰۷ به دولت برای مخارج ذیل اعتبار می دهد:

- الف - خرید کشتی مسلح برای حفاظت سواحل خلیج
- ب - تعمیر کشتیهای موجود
- نایب رئیس - آقای رفیع
- رفیع - موافقم
- نایب رئیس - آقای دادگر
- دادگر - موافقم
- نایب رئیس - آقای عراقی
- عراقی - موافقم
- نایب رئیس - آقای ملک مدنی
- ملک مدنی - موافقم
- نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - تصور نشود که بنده مخالفت اساسی دارم. مخالفت بنده همان مخالفتی است که در دوره چهارم و پنجم و حالا هم که دوره ششم است يك نظری داشتم و آن این است که دولت ایران که دارای دریای آزاد است باید در بودجه مملکتی در تحت عنوان بحر پیمایی يك مبلغی داشته باشد دولت باید در بودجه يك مبلغی برای بحر پیمایی در نظر بگیرد و بعنوان بودجه بحر پیمایی تقدیم مجلس کنند بعد از این انتظاریکه مدتها بود بنده داشتم حالا که دوپست هزار تومان برای اینکار دولت موفق شده است بمجلس پیشنهاد کند بنده شکر گذاری میکنم بنده چون وکیل هستم و نمیتوانم پیشنهاد خرج کنم خواستم در تحت عنوان مخالفت این را عرض کنم که دولت ایران که يك دولتی است هم خشکی دارد هم دریا باید توجهی هم بدریا داشته باشد تا بحال همه اش ما متوجه خشکی بوده ایم و فکر ما متوجه دریا نبوده است بنده عرض میکنم که باید در بودجه وزارت جنگ با وزارت مالیه يك ایاب بودجه برای بحر پیمایی باز شود نه اینکه يك دفعه فقط دوپست هزار تومان خرج شود باید بطور

که برای کارهای دیگر بودجه هر ساله داریم برای بحر پیمایی هم در بودجه وزارت جنگ با مالیه هر ساله يك مبلغی معین شود این است که بنده با يك دفعه خرج کردنش مخالفم مگر اینکه دولت این مبلغ را جزء بودجه کند و هر ساله بیفزاید سال اول دوپست هزار تومان سال دوم سیصد هزار تومان معین کند و اهمیتی را که ما نسبت بدریاهای خودمان میدهیم باید بیشتر از این باشد هر وقت ما در این قسمت مذاکره میکردیم يك چیزهایی میگفتند و معاون وزارت مالیه يك چیزی میگفت حالا آشکر میکنم از آقای وزیر مالیه که این بودجه را آورده است ولی از این نقطه نظر که خرج یکدفعه است بنده مخالف هستم.

نایب رئیس - آقای رفیع
 رفیع - نماینده محترم مخالفت نکردند مقصودشان تذکری بود و در ضمن مذاکره فرمودند که دولت ایران هم دریا دارد و هم خشکی بدیهی است هر دولتی که در روی زمین هست و دریا دارد خشکی هم دارد. این تذکر آقای آقا سید یعقوب را البته دولت هم در نظر گرفته است و از نقطه نظر همین تذکر است که دولت رو بترقی گذاشته است و انشاء الله حضرتعالی بعد از این در مجلس خواهید بود و در کمیسیون بودجه هم خواهید بود یا روی کشاده رای خواهید داد که يك قلم های هنکفتی شاید انشاء الله میلیون ها بودجه بحر پیمایی خواهیم داشت
 نایب رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده هم آرزو و امیدم این است که انشاء الله يك زمان برسد که ما سالی پنج میلیون ده میلیون خرج بحریمان بشود و مثل حالا نباشد ولی حالا هر چه که اهمیت به بودجه بحریمان بدیم جز اینکه جلوگیری از قاچاق بکنیم نتیجه دیگری نمیبریم اگر بگوئیم که ما با کشتی هامان میتوانیم بار به اینطرف و آنطرف ببریم بحال است که در مقابل کشتیهای خارجه بتوانیم عرض اندام کنیم پس همان اندازه برای خرج دریاهای ما لازم داریم که بتوانیم جلوی قاچاق

را بگیریم و این دو بیست هزار تومان بعهیده بنده برای جنوب و شمال هر دو کافی است
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
نایب رئیس - رأی میگیریم. ماده اول آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.
(اغلب برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد. ماده دوم
(این طور خوانده شد)

ماده ۲ - دولت مجاز است بکنفر صاحب منصب بحریه و بکنفر مهندس میکانیکیچی از اتباع دولت ایتالیا برای مدت سه سال استخدام نماید و حقوق آنها جمعا از یکصد و پنجاه هزار قران نباید تجاوز کند. برای خرج مسافرت هر يك از آنها ایاباً و ذهاباً چهار هزار قران پرداخته خواهد شد.

تبصره - دولت مجاز است حقوق ۱۳۰۷ متخصصین مزبور و خرج ایاب آنها را از محل دو بیست هزار تومان مصوبه ماده اول پرداخت و برای سنوات بعد اعتبار لازم را برای این مخارج در بودجه هر سال منظور دارد.

نایب رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی میل داشتم عراقی که کردم آقای وزیر مالیه توجه میفرمودند این موضوعی که عرض کردم نظر بنده خیلی اساسی بود و در دوره چهارم و پنجم هم در مجلس مذاکره شد و دولت های دیگر وعده هایی دادند که خیلی خوب بود بنده میل داشتم که آقای وزیر که اینجا تشریف داشتند جواب میدادند ولی ایشان خارج شدند و دولتفر معاون هم که در این جا بودند جوابی ندادند و آقای حاج میرزا محمد رضا بك جوابی دادند که آن جواب قانع کننده نبود حالا هم در اینجا آقای وزیر می خواهند جواب بدهند باندند

کاري ندارم. در این ماده هم بنده ایراد دارم؛ نوشته است پانزده هزار تومان صد و پنجاه هزار قران برای صاحب منصب بحری و متخصص میکانیکی بنده درست نمیدانم ولی گمان میکنم زیاد باشد مگر يك تراپی نوشته شود که معلوم باشد که این صاحب منصب چه درجه دارد و مقام او چیست بنده اول گمان کردم که این پانزده هزار تومان مال سه سالش است. این است که بنده با مالی پانزده هزار تومان مخالف هستم مگر اینکه آقای وزیر توضیح بدهند و بنده را قانع کنند.

وزیر مالیه - علت اینکه در آن موقع جواب نمابنده محترم را بنده ندادم این بود که بنده انتظار داشتم این ماده خوانده شود و بایشان عرض کنم که آن نیت مبارکی را که ایشان داشتند و اظهار کردند اگر درست دقت فرمایند در این ماده نوشته شده است برای اینکه در اینجا هست که دولت مجاز است مخارج آمدن اینهارا از این محل دو بیست هزار تومان بپردازد و برای سنوات دیگر مخارج آنها را در جزء بودجه بگذارد. این همان بودجه بحریهائی است که آقا میفرمایند و تصدیق میفرمایند که با این ترتیب نظر بان کاملاً رعایت شده است. اما نسبت به مبلغ که اظهار مخالفت فرمودید تصدیق میفرمایند که بکنفر صاحب منصب بحری که شارده آن ادارم را که میفرمایند باید برزد ما يك صاحب منصب بالنسبه خیلی کوچکی و با حقوق کمی استخدام خواهیم کرد برای اینکه اگر میخواستیم يك صاحب منصب بزرگی استخدام کنیم با این مبلغ نمیشد و بعلاوه با این مبلغ يك مکانیک هم خواهیم آورد و این ضمن را هم مقضی نبود بنده بکنم برای اینکه ما باید وارد مذاکره شویم و البته باید قبلاً در مجلس مذاکراتی بعمل آید و بدون اجازه داشتن از طرف مجلس البته مقضی نبوده است که مذاکراتی از طرف دولت بشود

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

آقای رئیس اسبیت ماده دقت فرمایند اگر وافی نیست بنده قبول میکنم

نایب رئیس - ماده این کلمه را لازم دارد وزیر مالیه - بسیار خوب بنده قبول میکنم

نایب رئیس - نوشته میشود که حقوق آنها سالیانه از یکصد و پنجاه هزار قران تجاوز نخواهد کرد تا این طور اصلاح میشود

وزیر مالیه - صحیح است

نایب رئیس - پیشنهاد آقای ملک ابرج میرزا (بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم صاحب منصب کشتی حق ندارد ناموعد کنترانش سر رسد استعفا بدهد هیچ اسم و رسم

نایب رئیس - آقای ملک ابرج میرزا

ملک ابرج میرزا (پور ابرور) - در این جنگ

بین المالی بنده اغلب دیدم که خارجی هائی که در ایران بودند احضارشان کردند چه مستخدمه و چه ناچار گذاشتند و رفتند حالا هم ممکن است يك اتفاق بیفتد که يك سربزه احضارشان کنند بنده پیشنهاد کردم که او حق نداشته باشد که دل کند و برود و کشتی ها مثل کشتی برس پلیس بیفتد به دست کاپیتان رجب که نتواند دیگر حرکت کند پس باید يك همچو چیزی در کنترانش قید شود

وزیر مالیه - بنده امیدوارم که انشاء الله دیگر حادثه مثل جنگ بین الممل که يك فاجعه عمومی بود اتفاق نیفتد و يك همچو اجباری برای مستخدمه بین خارجی ما پیدا نشود و نمائا میکنم آقا هم به همین امیدواری این پیشنهاد را مسترد فرمایند

ملک ابرج میرزا - مسترد میکنم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود: سالیانه ده هزار تومان عوض یکصد و پنجاه هزار قران

موقر - بنده مخالفم.

نایب رئیس - فرمایند.

موقر - با استخدام بکنفر مکانیک کاملاً موافقم ولی با استخدام صاحب منصب جداً مخالفم.

نایب رئیس - در کفایت مذاکرات فرمایند

موقر - توضیحات میخواستم راجع به این مسئله بدم.

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات فرمایند

موقر - بنده میخواستم عرض کنم که این ماده يك توضیحات زیادی لازم دارد و اگر اجازه فرمایند بنده آن توضیحات را عرض کنم تا اینکه مجلس متوجه يك مسأله بشود که خبر ملک در اوست اگر اجازه میفرمایند آن توضیحات را عرض کنم

نایب رئیس - رای گرفته میشود آقایانیکه کفایت مذاکرات را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو

(بنحو ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعد از مینع اعتباری برای حقوق مزید شود: (سالیانه)

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده درست ملتفت نشدم چون نسخه اش در دستم نبود در جائیکه اعتبار حقوق پیشنهاد کرده اند آیا ذکر سالیانه شده است یا نه؟ اگر دارد بنده مسترد میدارم و اگر ندارد مقصود بنده این بود که توضیح داده شود که این مبلغ برای سالیانه است نه برای سه سال

وزیر مالیه - در اینکه مقصود همین است ردی نیست حالا اگر عبارت وافی نیست بنده پیشنهاد آقای ارباب را قبول میکنم و ممکن است يك مرتبه دیگر خود

نایب رئیس - آقای فیروز برای

فیروز آبادی - بنده خیلی متأسفم که بعضی اوقات پیشنهاد هائی میکنم که باعث این میشود که بگویند فلانکس نظرش تنگ بود و چرا در هر پیشنهادی اعتباری را که خواسته اند نصف یا ثلث میکنند ولی چاره ندارم بنده نظر بحال این ملت و پریشانی آنها که میکنم (چون شب و روز با آنها حشر دادم) می بینم که اینها قوه بعضی مخارج را ندارند. اگر بعضی خرج ها بشود ده هزار تومان بازده هزار تومان خرج بشود که در مقابلش هم همین اندازه دخل باشد بنده مضایقه ندارم چون البته خرج میشود و در مقابلش هم دخیل میشود ولی بنده میدیم خرج هائی که میشود بقدر آن خرج دخلش بر نمیگردد حتی بعضی اوقات نصف هم بر نمیگردد به این ملاحظه بنده با بعضی مخارج مخالفم. در این جا هم نوشته است صد و پنجاه هزار قران که بازده هزار تومان میشود بنده تصور میکنم برای يك نفر مکانیک هرچه باشد سالی دو هزار تومان کافی است و هشت هزار تومان هم بجهت يك صاحب منصب شاید کافی باشد از این جهت پیشنهاد کردم که این اعتبار از ده هزار تومان بالا رود

نایب رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا (رفیع) - آقای فیروز آبادی اغلب در ضمن مذاکراتشان در مجلس اظهار میکنند که بنده با مردم زیاد حشر دارم مثل اینکه ایشان فقط حشر دارند، آقا همه آقایان با مردم حشر دارند... فیروز آبادی - آقایان دیگر با اعیان بنده با فقرا حشر دارم.

رفیع - خیر آقا اینطور نیست بالاخره همه مردم با هم حشر دارند همین اهالی طهران اغلب رجوعشان به وکلای ولایات است نمکن با آقا حشر داشته باشند ولی کار هایشان همیشه اوقات با نمایندگان ولایات است بعد هم بنده تصور میکردم که آقا فقط در خشکی این شخص را دارند بنده نمیدانسم که دزد را هم مخصوص دارند خیلی خوب آقایان دیگر

هستند که خانشان لب دریا است وکلای بندر بهلوی و مازندران چون لب دریا هستند البته میخواهند يك صحبتی هائی بکنند، آقای موقر خیلی دلشان میخواهد يك صحبت هائی برای این قسمت بکنند برای شخصی است که دارند و لب دریا نشسته اند ولی حضرت عالی نمی دانید. و دولت هم این مبلغ را تشخیص داده است و ممکن نیست و نمیشود بکفران هم کسر کرد

نایب رئیس - رای میکنم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (چند نفری برخاستند)

نایب رئیس - رد شد. پیشنهاد موقر

(بنحو ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بجای یکنفر صاحب منصب از تبعه ایتالیا نوشته شود: صاحب منصب ایرانی

نایب رئیس - آقای موقر

موقر - عرض کنم که ما در خلیج فارس متخصصی داریم از اتباع دولت ایران که در علم بحر بیبائی اطلاعاتشان خیلی بیشتر و بالا تر از اتباع خارجه است اثبات این مسئله در همین يك نکته موجود است که تمام کشتیهای دول خارجه بخلیج فارس میآیند برای ورود در بنادر خلیج فارس اعم از بوشهر یا محمره و یا سایر بنادر مجبور هستند از نا خدا های محلی استمداد بجویند در صورتی که کشتی های خارجه محتاج به معاونت نا خدا های خلیج فارس که اتباع ایران هستند میباشد هیچ جهت ندارد که ما از اشخاص بصیر عالم با اطلاع که اتباع ایرانند صرف نظر کنیم و از خارجه استخدام کنیم یعنی از اشخاصی که علم و اطلاعاتشان نصف اینها نیست. وقتی که کشتی پرس پلیس در پنجاه سال قبل از آلمان خرابه شده است و به خلیج فارس آمد تمام صاحب منصبان کشتی از اتباع دولت آلمان بوده از قبیل ناخدا و مکانیک و غیره بعد از چند سال دولت

موقر - معلوم میشود با این توضیحات تصمیم گرفته اند از خارجه استخدام کنند باین جهت پیشنهاد خودم را مسترد میکنم.

نایب رئیس - رای میکنم بماده دوم آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. ماده سوم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - وزارت مالیه و وزارت جنگ مأمور اجرای این قانون هستند

نایب رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

نایب رئیس - رای میکنم بماده سه آقایانیکه موافقند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد ماده الحاقیه پیشنهاد

آقای استرابادی

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم:

ماده الحاقیه - دولت مکلف است در ظرف ششماه نسبت بداشتن کشتی در بحر خزر مطالعات لازمه نموده و تصمیمی اتخاذ و به مجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید

نایب رئیس - آقای استرابادی

استرابادی - آقای وزیر مالیه فرمودند که اگر آن کلمه صرف نظر از طرف بنده گفته نشده بود از بنده تشکر میکردند بنده مقصود این است که خواستم رفیع شبهه کنم اولاً اینکه بنده لفظ نظر را عرض کردم مقصود این بود که در این لایحه راجع به خرید کشتی صرف نظر شده است و الا سوء تفاهم نشود و نسبت باین پیشنهاد هم قسمت های جنوبی و خلیج

ایران از استخدام اتباع خارجه برای کشتی پرس پلیس مستغنی شد و آن را به ناخدا ها و صاحب منصب های ایرانی واگذار کردند و نازمانی که کشتی پرس پلیس در حال صحت بود در کمال خوبی از انجام این وظیفه ر میآمدند و کشتی را به هندوستان و سایر نقاط میبردند و حال آنکه کشتی پرس پلیس کشتی خیلی بزرگی است و در حدود تجاوز از يك هزار تن بار گیری دارد و این کشتی که در معادل دویست هزار تومان باید خریده شود يك کشتی بسیار کوچکی خواهد بود و چنین کشتی نمیتواند تحمل يك چنین مخارج سنگینی را که سابقانها بازده هزار تومان است بکنند. از این نقطه نظر است که بنده پیشنهاد کردم که در صورتیکه ما از اشخاص بصیر و مطلع از اتباع ایران در بوشهر و سایر بنادر خلیج فارس داریم هیچ جهت ندارد که ما از اشخاص خارجی استخدام کنیم که علم و اطلاعاتشان هم باندازه اینها نیست.

وزیر عدلیه - وقتی که آقای وزیر مالیه خواستند این لایحه را مقدم ندارند بنده دیدم بقدری این لایحه مفید است که تصور کردم در این لایحه دیگر آقایان صحبت نخواهند کرد گرچه یکی از آقایان میگفت که گمان میکنم اگر در مسائل خیلی مسلم و بدیهی هم يك لایحه بیاید و صحبت شود يك پیشنهادی اغلب آقایان احتمالاً میدهند و حالا وارد شدیم در این مسئله و بنده می بینم همینطور است و متأسفانه کار به پیشنهادها میگذرد خواستم نما کنم از آقایان که توجه فرمایند که وقت خیلی کم است و لوائح لازم دیگری هم داریم اما راجع به بیانات آقا اولاً کشتی که دولت میخواهد داشته باشد عبارت ازین کشتی تنها نیست و کشتی های دیگری هم هست که باید بخرد و مصلحت من جمیع جهات اینطور دیده شده است که از خارجه استخدام کنند و خواهش میکنم آقا هم پیشنهاد خودشان را پس بگیرند

نایب رئیس - رای میکنم به پیشنهاد آقای موقر.

فارس از نقطه نظر اقتصاد هماغطوری که در لایحه نوشته شده است برای قاچاق خیلی مهم است و بنده هم موافقم و رأی هم دادم ولی بحر خزر از يك جهات دیگری که شاید گفتن صلاح باشد تصور میکنم اهمیت داشتن کشتی خبلی بیشتر است از آنطرف هم چون حالا نمینوانند در این لایحه چیزی اضافه کره باشند بنده پیشنهاد کردم که دولت در ظرف شش ماه يك مطالعهائی برای داشتن کشتی بحر خزر بکند و يك تصمیمی اتخاذ و به مجلس پیشنهاد بکند وزیر مالیه - حقیقه بنده از آقای استرابادی دیگر که میخواهم بگویم این اظهاراتی که میفرمایند مثل این است که يك موضوعی است که دولت برای بحر خزر نمیخواهد کشتی بیاورد. حقیقه میخواهم بگویم که ما هر وقت دلمان بخواد هر قدر کشتی که برای بحر خزر لازم داشته باشیم می آوریم. پس در اینصورت شش ماه مطالعه بکند یعنی چه هر وقت لازم شد تکلیف ما است نه تکلیف این پیشنهاد.

نایب رئیس - رای می گیریم به پیشنهاد آقای استرابادی...

استرابادی - بنده استرداد میکنم بعضی از نمایندگان - (بطور مهمه) پس چرا پیشنهاد میکنید ؟

نایب رئیس - شور در کلیات است ، مخالفی نیست (گفته شد خبر)

نایب رئیس - رای میگیریم باین قانون که مشتمل بر سه ماده است آقایانیکه موافقت و رقه سفید خواهند داد (اخذ و شماره آراء بعمل آمده هفتاد و شش و رقه سفید تعداد شد)

نایب رئیس - عده حاضر ۸۸ با اکثریت ۷۶ رای تصویب شد

اسامی رای دهندگان - آقایان: حقنویس - ذوالقدر اسکندری - آقا سید کاظم زیدی - حشمتی - دولتخواهی

طباطبائی و کبلی و جمعی دیگر نایب رئیس - آقای زوار

زوار - مخالفت نماینده محترم آقای روحی در بنده مؤثر شد باین جهت میخواستم توضیحاتی بدم برای اینکه سال که دوازده ماه است بازده ماه و بیست و پنج روزش مال کار های دولت است پنج روزش هم مال خود مجلس باشد ..

بعضی از نمایندگان - همه کار مملکت است

زوار - اجازه بدهید عرض کنم : معمول سنواری مجلس بوده است که قبل از انقضای سال بودجه مجلس مطرح میشد که تکلیف معین شود بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که خبر کمیسیون محاسبات راجع به بودجه مجلس مطرح شود یکساعت هم بیشتر وقت لازم ندارد

نایب رئیس - آقای عمادی

عمادی - نظر آقای زوار را بنده تصدیق دارم خود بنده هم شب گذشته همین پیشنهاد را کردم لیکن چیزی که هست با اینکه لایحه قضیه حکمیت در شرف اختتام است گمان میکنم خودشان هم حاضر شوند این پیشنهاد را استرداد کنند و باین لایحه موافقت کنند که تسهولت تمام شود بعد این لایحه مطرح شود.

زوار - بسیار خوب مسترد می دارم

نایب رئیس - آقای محمد ولی میرزا راجع به

پیشنهاد خودتان توضیح بدهید

محمد ولی میرزا - این پیشنهادی که تقدیم شده است گر چه یقین دارم که آقای وزیر عدلیه مکدر میشوند ولی موضوع این است هماغطوری که آقای وزیر عدلیه و سایر آقایان وزراء امشب اصرار دارند که لوایح فوری و فوری بتصویب مجلس برسد این هم راجع به تعمیر سدها است و البته آقایان باید تصدیق بفرمایند که تاخیر این کار يك مخاطره خیلی مهلکی برای يك قسمت از اهالی ایجاد میکند و این مخاطره هم برای امروز است یعنی برای دوسه ماه دیگر این قضیه هر صورتی که باید پیدا

بکنند پیدا خواهد کرد. و چون این مخاطره امروز در پیش است بنده نمیدانم واقعاً اگر فردا در يك شهری مثل تبریز دو هزار نفر تلف نفوسی و مالی پیدا شود مسؤالش کیست. ازین نظر است که بنده موظف هستم که این عرض را بکنم و این از طرف خودم و رفقای محترم آذربایجان است نمنا میبینم آقایان در این قسمت يك مساعدتی بفرمایند که این لایحه هم همین امشب مطرح شود و این يك رای است و در ازاء این ما حاضر هستیم ناساعت پنج از نصف شب گذشته بنشینیم تا توب سحر و لایحه حکمیت را هم تمام کنیم

وزیر عدلیه - نماینده محترم می فرمایند بنده مکدر میشوم. بنده کار شخصی که ندارم آقایان بلا لایحه حکمیت رأی بدهند باندھند در زندگانی شخصی بنده هیچ فرق نمیکند. اما اینقدر که بنده اصرار میکنم و صریحاً از آقایان خواهش میکنم و التماس میکنم برای این است که بعد از مشورت با يك عده اشخاصی که قطع دارم قضا را درش دقت میکنند و تشخیص می دهند این يك لایحه خیلی مفیدی است و از طرف دیگر بنده با يك عده از آقایان در روز دوم شوال باید بطرف خراسان حرکت کنیم و در ایام بعد از هفتم و هشتم هم که ممکن است تعطیل مجلس تمام شود بنده در طهران حاضر نیستم که این لایحه را تمام کنیم و بعلاوه در چهاردهم فروردین مدت کمیسیون عدلیه تمام میشود و در کمیسیون جدید باید مجدداً طرح شود در این صورت تقاضای بنده برای همین است و اما لایحه که آقا فرمودند بنده نمیدانم که اگر بر فرض این لایحه امشب بگذرد پس فردا سدها بسته میشود!؟

مدرس - بجهت همین سبلی که فردا میاید!

وزیر عدلیه - از طرف دیگر این لایحه هنوز از کمیسیون بودجه مجلس نیامده است و تقاضای دو فوریت هم در وقت تقدیم لایحه باید بشود از طرف دولت هم که تقاضای فوریت نشده مگر اینکه حالا

يك فورمول جدیدی در نظامنامه پیدا شده باشد اینست که بنده تقاضا میکنم موافقت بفرمایند این لایحه مطرح و تمام شود

نایب رئیس -- اساسا مطلب راجع به فوریت است در مطرح شدن آن نباید صحبت شود

وزیر مالیه -- این قضیه قابل رأی نیست برای اینکه هنوز کمیسیون مربوطه خبرش را به مجلس نداده درات هم وقتی لایحه را تقدیم کرده تقاضای فوریت نکرده است ارجاع به کمیسیون شده چطور ممکن است مورد رای واقع شود ؟ حالا راه این کار این است که آقا پیشنهاد خودشان را مسترد بدارند ما هم تزیب می دهیم که کمیسیون در اولین جلسه آتی این مسئله را مطرح کنند و خبرش را هم زود تر بدهند بعد هم اعتباراتش برای ساختن حاضر است و و خیلی زود ساخته میشود

محمدولی میرزا -- بنده برای موافقت نظر آقایان محترم مسترد میدارم .

نایب رئیس -- ماده دهم قانون حکمیت مطرح است پیشنهادی در جلسه قبل از آقای عمادی بوده است که قرائت شده و مذاکره شده باید رأی بگیریم عجاله قرائت میشود و رأی میگیریم

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مورد دوم از ماده ده حذف شود

نایب رئیس -- آقا آنیکه پیشنهاد آقای عمادی را تصویب میکنند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

نایب رئیس -- تصویب نشد. رأی میگیریم به ماده ده ...

آقا سید بهقوب -- آقا بنده پیشنهادی داده ام

نایب رئیس -- اینجا که نیست آقابانیکه ماده ده را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

نایب رئیس -- تصویب شد. ماده یازدهم (بشرح آنی قرائت شد)

ماده ۱۱۰ -- در صورتیکه رای حکم پس از انقضای مدت حکمیت صادر شده باشد محکمه بتقاضای یکی از متداعیین او را فسخ مینماید

در موارد ذیل رای حکم باطل و از درجه اعتبار ساقط است

(ا) در صورتیکه حکم هاخارج از حدوداختیارات خود نسبت به مطلبی که موضوع حکمیت نبوده حکم داده باشند

(ب) وقتی که برخلاف سند رسمی حکم شده باشد

(ج) وقتی که طرفین بانفاق حکم حکم را رد نمایند

نایب رئیس -- آقای آقاسید بهقوب

آقاسید بهقوب -- موافقم

نایب رئیس -- آقای روحی

روحی -- موافقم

نایب رئیس -- آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع -- موافقم

نایب رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- موافقم

نایب رئیس -- مخالفی نیست ؟

فیروز آبادی -- بنده مخالفم

نایب رئیس -- بفرمائید

فیروز آبادی -- بنده این ماده را يك قدری زیاد

میدانم برای اینکه نوشته است در صورتیکه رای حکم

پس از انقضای مدت حکمیت صادر شده باشد محکمه

بتقاضای یکی از متداعیین او را فسخ مینماید خوب اگر

بعد از انقضای مدت شد دیگر آن حکم قانونیت ندارد

و خودش فسخ هست و اصلا این زیادی است این یکی

هم در صورتیکه حکم حکم خارج از حدود اختیارات او باشد این هم دیگر لازم نیست باشد او اصلاح حق نداشته است خارج از حدود اختیارات خودش حکم بکند اینهم زیادی است و اصلا محتاج نیست مخالفت بنده در همین دو قسمت بود که عرض کردم

وزیر عدلیه -- بنده تصور میکنم این مسئله اشتباه باشد بعضی ها هستند که يك قضایائی را با يك حسن نظری استنباط میکنند ولی ما قانون را باید طوری بنویسیم که محل اشتباه نباشد ما که مخالفت با اصل نداریم. حضرتعالی می فرمائید واضح است بنده

کمان می گم واضح نباشد باین جهت اینطور نوشتیم جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

نایب رئیس -- پیشنهادها قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میکنم ماده ۱۱ اینطور نوشته شود

ماده ۱۱ -- حکم ها مکلف هستند رای خود را در مدت حکمیت بدهند و در صورتیکه رای حکم پس از انقضای مدت حکمیت صادر شده باشد محکمه بتقاضای یکی از متداعیین آنرا فسخ مینماید

نایب رئیس -- آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری -- در اینقانون هیچ جا ننوشته بود که هیئت حاکمه مکلفند که در مدت حکمیت رای بدهند. اینست که بنده این اصلاح را پیشنهاد کردم که نوشته شود که حکمها باید در حدود قانون حکمیت در مدت حکمیت رای خود را بدهند و بعد در صورتیکه حکم حکم بعد صادر شود فسخ میشود

وزیر عدلیه -- این پیشنهاد را قبلا هم با بنده مذاکره کرده بودند بنده موافقت کردم مقصودم هم همین است

خبیر -- بنده هم موافقت میکنم

نایب رئیس -- رای میگیریم بماده یازدهم که قسمت اول

نایب رئیس -- مقصود اساسی این قانون البته يك تغییر است در اصول قضائی تا يك حدودی. باین معنا که جریان دعاوی را از کارهای رسمی انتقال بدهند مردم به خود اهالی در بین خودشان این قضایا را مرتفع کنند

نایب رئیس -- آقاي عباسمیرزا

عباسمیرزا -- مقصود اساسی این قانون البته يك تغییر است در اصول قضائی تا يك حدودی. باین معنا که جریان دعاوی را از کارهای رسمی انتقال بدهند مردم به خود اهالی در بین خودشان این قضایا را مرتفع کنند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس -- تصویب شد ماده دوازده

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۲ -- حق الزحمه حکمهای بدوی سه ربع عشر مدعی به است که طرفین دعوی باسویه خواهند داد و درین حکمها باسویه تقسیم خواهد شد مگر اینکه حکم در رای خود تقسیم حق الزحمه را بین متداعیین بطریق دیگری قرار بدهد

حق الزحمه حکم مشترك که برای تجدید نظر تعیین میشود ربع عشرات و آنرا فقط کسی خواهد داد که تقاضای تجدید نظر نموده است

حق الزحمه پس از ختم رسیدگی و قطعی شدن رأی پرداخته میشود و محکمه مربوطه مسؤل وصول و ایصال آن خواهد بود

در صورت اقدامات اجرائی مخارج اجراء مطابق مقررات قانون اصول محاکمات حقوقی و بر عهده محکوم علیه است

خبیر -- اجازه بفرمائید در این ماده بجای اینکه نوشته شود ربع عشریه است نوشته شود ربع عشرات. این در مطبوعه اشتباه شده باید اصلاح شود. یکی هم محکمه مربوطه است مربوط نوشته شده است رفیع -- یکی هم وار است.

بعضی از نمایندگان -- واو هم زیاد است

نایب رئیس -- آقاي عباسمیرزا

عباسمیرزا -- مقصود اساسی این قانون البته يك تغییر است در اصول قضائی تا يك حدودی. باین معنا که جریان دعاوی را از کارهای رسمی انتقال بدهند مردم به خود اهالی در بین خودشان این قضایا را مرتفع کنند

پس موظف بودن را برای این قضیه بنده مخالف هستم بواسطه اینکه حالا هم این مسئله حکمیت بکلی که نازم نیست سابق هم حکمیت بنزاعی طرفین معمول بود و بک اشخاص غیر رسمی هم بودند که در اوضاع قضائی دخالت میکردند از قبیل هیئت منصفه که در اغلب جاهای دنیا بوده و در بران هم همینطور است. هیئت های منصفه اغلب در قضایای مهمه تشکیل میشود و آراء آنها هم همیشه قاطع است و در تمام ممالک برای مردم قضاوت میکنند اینجا اگر اینها را موظف کنیم بعقیده بنده بک عیوبانی پیدا میکنند و مثل این است که اشخاصی که مشمول حکمیت میشوند سمت رسمی پیدا میکنند و مجلس شورای ملی آنها را موظفاً مشغول حکمیت میکند بالطبع اگر کسی بیک اشخاصی اعتماد داشته باشد و آنها را حکم قرار بدهد آن حکم بطوری باو نزدیک است از حیث رفاقت یا دوستی یا منافع مشترک که تصور نمیکند متوقع گرفتن و جوهات باشد اینجا حکمی که انسان میآید برای او رأی میدهد نزدیکترین دوست او خواهد بود یا نزدیکترین شخصی خواهد بود که باو اعتماد دارد ولیکن حالا آمدیم این را موظف کردیم بنده تصور میکنم که خود آقای داور تصدیق بفرمایند باین عدلیه که اینهمه زحمت کشیدند و تأسیس کردند بک صدمه بزرگی وارد میآید زیرا در اغلب جاها در اغلب شهرها ممکن است بک عدله تباری کنند اشتراک کنند جمع شوند و بک مردمانی که به خواهند از طریق حکمیت بک منافعی تهیه کنند و این مسئله گرفتن حق الزحمه بک چیزی را که همیشه در ایران متداول بوده و زائد بود یعنی ده بک و ده نیم را رسمی میکنند در این قانون و بالاخره بک مدتی نمیکند که در هر جایی بک اشخاص واقعا تصور میکنند ممکن است بک اقدامی کنند که دیگر کسی به عدلیه مراجعه نکند. از دو نقطه نظر یکی از نظر اینکه خودشان بک منافعی ببرند و این صدمه باصول جاری عدلیه میزند و ما البته باید این مسئله را اینجا قطع کنیم یعنی مسئله حکمیت را با

عدلیه زیرا عدلیه اساساً باید باشد و محکم هم باشد ولی حکمیت نباید چیزی باشد که برون از او منافع اتخاذ کنند. این بک چیزی است آزاد اگر بک اشخاصی بک حکمهای معین کردند حکم های آنها می نشینند بدون گرفتن حق الزحمه (آنها حق الزحمه رسمی) حکمیت میکنند و کار را حل میکنند و الا اگر بنا شد که حکم ها موظف باشند بنده تصور میکنم که بک معایب اساسی پیدا خواهد کرد

وزیر عدلیه - بنده حبی خوشوقت شدم که آقای شاهزاده بک چنین عقیده را اظهار داشتند که اگر خدای نخواستہ بک روزی بک دعوائی برای بنده پیش بیاید و در آنوقت بخوام یکی از حکم های آقای قرار بدهم به آقای می گویم که قانون قرار داده است چیزی بدهم ولی شما از من نگیرید. در زندگانی و عمل اگر بخوایم حکمیت عملی شود نمیتوانیم بگوئیم و بک اشخاصی را مجبور کنیم که بیایند وقت خودشان را صرف بکنند زحمت بکشند و بالاخره طرف بیحلی یکی از طرفین دعوی هم بشوند. رأی چه؟ معلوم نیست صرف نظر از این که فرمودید باید حکم از دوستان و اقرباء نزدیک باشد. ملاحظه بفرمایید که باید سعی کرد که حکم مشترک بالاخص بک کسی باشد که بی طرف باشد در قضایا. روی گرفته بنده تصور میکنم که حضرت والا فکرتان خیلی خوب فکری است. البته در عالم اخلاق خیلی خوب میشد که اشخاص از برای اشخاص کار انجام میدادند پول هم نمیکرفتند ولی بدرد دنیای امروز نمیکشود. هیئت منصفه را هم که فرمودید بدانید همیشه حقی برای حضورشان منظور میکنند و مخصوصاً در بعضی جاها هست که حقی برایشان هست و هر سه روز که حاضر میشوند آن حق را میگیرند

نایب رئیس - آقای حاج شیخ بیات حاج شیخ بیات - بنده مخالفتم راجع بقسمت آخر ماده است که نوشته است در صورت اقدامات اجرائی

مخارج اجراء مطابق مقررات قانون اصول محاکمات حقوقی و بر عهده محکوم علیه است تا بحال در دعوی حقوقی که مردم مجبور بودند بک عشر از حق محکوم به را باجرا بدهند برای این بود که بک چربان محاکماتی می میکرد از این جهت این اجبار میشد برای اشخاص ولی در صورتیکه قضیه به حکمیت رجوع میشود و در موقعی که عرضحال را میدهد حق عرضحال را هم میدهد و بعد هم حق حکم ها را میدهد دیگر بک عشر هم برای اجراء بدهد خیلی زیاد است و این دیگر مورد ندارد این است که بنده روی این زمین بک پیشنهادی داده ام نما میکنم آقای وزیر عدلیه هم موافقت بفرمایند.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - بنده مخالفم
نایب رئیس - آقای عمادی
عمادی - عرض کنم که بنده مخالف هستم نسبت بحق الزحمه ..

نایب رئیس - خوب پس بفرمایید
مخبر - بنده خواستم تذکر بدهم به آقایان که چون این ماده مورد ملاحظه بک عدله از آقایان واقع شده است. بهتر این است که در این باب مذاکره نکنند و پیشنهاد بدهند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
آقا سید یعقوب - بنده مخالفم.

نایب رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمایید
آقا سید یعقوب - عرض کنم مخبر بفرمایند پیشنهاد بدهید. خودشان دعوت میکنند که مذاکره بیشتر طول بکشد. پس خوبست مطلب گفته شود شاید خود آقای مخبر یا وزیر قبول بکنند بک چیزی را بنده می خواهم عرض کنم یا بک چیزی بکنند دیگر میخواهد بگوید پس بهتر این است که چهار نفر مخالفین لااقل نظر بانشان

گفته شود که معلوم شود مخالفت از چه نظر است. که دیگر متصل پیشنهاد داده شود
نایب رئیس - آقای رفیع
رفیع - عرض کنم خدمت آقا اینکه آقا بفرمایند مذاکرات کافی نیست این در موقعی است که بک موضوعی باید در مجلس مذاکره شود و بعد به کمیسیون رود که کمیسیون بداند که لایحه اش را چه جور تنظیم کند در بک جائی که ما نشسته ایم و میخواهیم بک کاری را تمام کنیم بالاخره راه عملیش این است که پیشنهاد داده شود و دلائل مخالف و موافق گفته شود و بالاخره پیشنهاد خانم الزاع است پیشنهاد می کنید توضیح بدهید اگر چنانچه منطقی و صحیح بود البته آقای مخبر و آقای وزیر قبول میکنند و الا اینطور که نتیجه ندارد پس خوب است اجازه بفرمایید مذاکرات کافی بشود.

نایب رئیس - رأی میکنیم به کفایت مذاکرات
آقایانیکه موافقت قیام فرمایند
[اکثر برخاستند.]

نایب رئیس - اکثریت است. پیشنهادها قرائت میشود.
[بشرح ذیل خوانده شد]

پیشنهاد آقای مدرس
پیشنهاد میکنم ماده دوازدهم بطریق ذیل نوشته شود
حق الزحمه هر بک حکم بدوی ربع عشر مدعی به است که طرفین دعوی بالاسبوبه خواهند داد مگر اینکه حکم در رأی خود تقسیم را بین متداعبین بطریق دیگر قرار بدهد حق الزحمه حکم های مشترک که برای تجدیدنظر تعیین میشوند سه ربع عشر مدعی به است که فقط کسی تقاضای تجدید نظر کرده است خواهد پرداخت حق الزحمه پس از رسیدگی و قطعی شدن رأی در صورت تقاضای تجدید نظر پرداخته میشود الی آخر
نایب رئیس - آقای مدرس

مدرس - اصلاً این پیشنهاد بده ماده رافی الجمله تغییر داد ولی اصل مطلب را تغییر نداد بک خصوصیتی از نظر محو شده است که شاید بعد اسباب اشکال شود باین ملاحظه بده این ماده را پیشنهاد را کردم اولاً در موارد سابق نوشتیم که ممکن است طرفین بک نفر را حکم قرار بدهند. این ماده خوب صریح بود که اگر بک نفر را حکم کرداد چقدر باو بدهند خواستیم توضیح بشود که اگر بک نفر را حکم کردند بک ربع عشر بیشتر ندهند اگر سه نفر را معین کردند سه ربع عشر بدهند که بعبارة آخری هر حکمی بک ربع عشر داشته باشد. اگر بک نفر است طرفین ربع عشر باید باو بدهند و بنده این تصریح را مفید میدانم چون طرفین وقتی بدندند. اگر بکنفر را معین کنند ربع عشر خواهد داد بسا هست که بکنفر معین میکنند و از این جهت این پیشنهاد را کردم که هر بک از حکم ها بک ربع عشر خواهند داشت و در آخر این ماده بک عبارتی داشت که پس از رسیدگی و ختم قضیه باید این حقوق را به حکم ها داد و این منوط باین است که پس از گذشتن از استیناف باید حقوق آنها داده شود در صورتیکه در ماده قبل گرفتن حکم ها اجرت خودشان را موقوف به استیناف نکرده است و جهت هم ندارد موقوف باستیناف کنند زیرا حکم بک کسی است که کار خودش را کرده است منتظر این بشود که استیناف نقض کند یا نباید نماید مناسبی ندارد لذا بجای آن گذاشتیم تا گذشتن تجدید نظر یا تقاضای تجدید نظری که حکم ها صبر میکنند ولی اگر تجدید نظر نشد و استیناف داده شد فلسفه ندارد که حکم ها اجرت خودشانرا بگذارند تا استیناف نماید یا نقص کند از این جهت این پیشنهاد را کردم و این را هم تذکر بدم که از مسائل اساسی این قانون اجرت گرفتن حکم ها است عمل بنده خدا و مسلم محترم است و اجرت که میگیرند البته بعد از آنکه اجرت گرفتند بی نظر میشوند نسبت بطرفین و اجرت را از طرفین

میگیرند و برای طرفین کار میکنند و البته اگر بنا شد حقوق نگیرند مثل حکمیت بنده و آقای دکتر مصدق میشود که دو ماه است در یک مسئله حکم هستیم و هیچوقت بک جلسه رفته ایم که این مسئله را خانم بدهیم یا من میروم آقایان هستند باقیامیروند من نیستم ولی اجرت گرفتن نتیجه اش این میشود که خوبی کاسی میشود و هر وقت کاسی شد خوب زیاد میشود بنده هم خوب میشوم و هم مزد میگیرم وقتی که خوب شدم و مزد گرفتم این خودش بک چیز خوبی است بک پول حلال به قاعده. ایست کار میکنم و پول میگیرم باشان من هم مخالفتی ندارد و لذا به عقیده بنده بک چیز اساسی در این قانون این است که حکم ها اجرت داشته باشند.

مخبر - چون این پیشنهاد بنظر خیلی از آقایان موجه آمده و فعلاً هم مذاکره شد و این اصلاح ضرورت دارد باینجهت بنده موافقت میکنم

حاج شیخ بیات - بنده با قسمت آخرش مخالفم.

نایب رئیس - پیشنهاد های دیگر هم هست. پیشنهاد آقای عمادی

[مضمون آئی خوانده شد]

بنده پیشنهاد میکنم که ماده دوازده بترتیب ذیل نوشته شود:

ماده دوازده - حق الزحمه حکم های بدوی دو عشر از بک عشر مدعی به است الی آخر

نایب رئیس - آقای عمادی

عمادی - عرض شود اجرت به حکم دادن همین شکلی است که حضرت آقای مدرس گفتند عمل محبتی است و ان الله لا یضیع اجر المحسنین این مسلم است. عرض شود غالب این اشخاص که حکم می شوند فامیل و اهل ولایت همدیگر هستند و بنده در مقدارش استدعا کردم دو عشر از بک عشر باشد نه چهار عشر از بک عشر اگر چنانچه آقای وزیر و مخبر قبول بفرمایند برای متداعین سهل است و اساس این قانون هم برای تسهیل است

مجدداً قرائت شود.

(بشرح سابق خوانده شد)

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم آقای عمادی هم موافقت کنند بگذاریم همانطور که آقای مدرس فرمودند بواسطه حق الزحمه زیاد که دادیم مردم خوب شوند وقتی خوب ها زیاد شدند ارزشش میکنیم

عمادی - مسترد میدارم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات (بشرح ذیل خوانده شد)

سطر آخر از ماده دوازده بقرار ذیل اصلاح شود در صورت اقدامات اجرائی مخارج اجرا دو عشر از بک عشر محکوم به خواهد بود و برعهده محکوم علیه است

نایب رئیس - بک پیشنهاد دیگر هم در همین زمینه رسیده است قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل را اضافه شود مخارج عدلیه بیش از آنچه در وقت تقدیم عرضحال داده میشود نخواهد بود و در صورت اقدامات اجرائی حق اجرا دو عشر عشریه است

یعقوب الموسوی

نایب رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - اینجا همانطور که بنده در ضمن ماده عرض کردم سه عشر بر متداعین تحمیل کردن خیلی سنگین است چون بک عشر از بابت حق الزحمه حکم ها بک عشر بعنوان اجرا و بک ربع عشر هم به عنوان محاکمه در اول میگیرند این است که بنده اینجا پیشنهاد کردم که قسمت اجرائیش اکتفا شود به دو عشر از بک عشر در قانون اصول محاکمات هم هست نسبت به قضائاتی که میگردد بک عشر گرفته میشود در قضائاتی که به حکمیت تمام میشود که عشر از بک عشر بگیرند بک قسمت عرض بنده راجع به قسمت آخر پیشنهاد آقای مدرس بود فرمودند ما باید حق حکم ها را علی حال بدیم قبل از اینکه طرف مقابل استیناف

بدهد. بنده کمان میکنم اگر بنا باشد حق حکم ها قبل از استیناف دادن و قبل از رد شدن یا ابرام شدن حکم داده شود این حکم تنفیذ نمیشود. احکامی را که صادر میکنند باید بک احکامی باشد که مستحق این حق.

نایب رئیس - آقا خارج از موضوع پیشنهاد است مخبر - اساساً با پیشنهاد آقای حاج شیخ موافق هستم برای اینکه تسهیلی نسبت به اشخاص بشود و از طرف دیگر آقای آقا سید یعقوب هم بک پیشنهادی به مخارج محاکمه کرده اند اگر آقای حاج شیخ هم موافقت بفرمایند پیشنهاد خودشان را مسترد بفرمایند و همان پیشنهاد آقای سید یعقوب که متضمن هر دو قسمت است قبول شود بهتر است. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب خوانده شود

(بشرح سابق خوانده شد)

حاج شیخ بیات - بنده هم موافقت میکنم

وزیر عدلیه - در این پیشنهاد قسمت دومش نامین میکند نظر آقا را و قسمت اولش هم راجع بخرج محاکمه است آقای بیات هم با این پیشنهاد موافقت بفرمایند بنده هم موافقم

حاج شیخ بیات - بنده هم موافقم

نایب رئیس - پس قسمت اخیر ماده حذف میشود و آن تبصره جایش میآید. قسمت اول ماده مطابق پیشنهاد آقای مدرس که مخبر کیسبون هم قبول کردند و قسمت آخرش هم حذف میشود و این تبصره بجایش میآید. قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد میکنم ماده دوازده بطریق ذیل نوشته شود

حق الزحمه هر بک نفر حکم بدوی ربع عشر مدعی به است که طرفین دعوی بالسویه خواهند داد مگر آنکه حکم در رای خود تقسیم را بین متداعین به طریق دیگر قرار بدهند حق الزحمه حکم های مشترک را برای

تجدید نظر تعیین می شود سه ربع عشر مدعی به است
که فقط که تقاضای تجدید نظر کرده است خواهد پرداخت
تعیین حق الزحمه پس از رسیدگی قطعی شدت رای در
صورت تقاضای تجدید نظر پرداخته می شود.

نایب رئیس - این قسمت اول تبصره هم خوانده
میشود.

(اینطور خوانده شد)

تبصره - مخارج عدلیه بیش از آنچه در وقت تقدیم
عرض حال داده میشود نخواهد بود و در صورت اقدامات
اجرائی حق اجرا دوعشر عشریه است

نایب رئیس - يك پیشنهاد دیگری رسید است قرائت
میشود.

(بشرح آنی خوانده شد)

پیشنهاد آقای ملک مدنی

تبصره ذیل را پیشنهاد می نمایم . در صورتیکه محاکمه
به تعیین حکم خانم پذیر شود وزارت عدلیه باید عشریه
مدعی به را بگیرد نصف او را فی مابین حکم ها بالسویه
تقسیم نموده نصف دیگر به صندوق عدلیه عاید شود

نایب رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم يك کسی که محاکمه دارد
نباید بیش از يك عشریه بدهد برای اینکه منظور از
از تشکیلات عدلیه آسایش مردم است این قانون هم
روی این نظر به مجلس شورای ملی آمده و آقای وزیر عدلیه هم
جدبت دارند آنرا بگذرانند به این ترتیب ممکن است از يك کسی
که يك دعوائی پیدا میکند وقتی هم که تعیین حکم شد
دو عشر بگیرند یعنی يك عشر برای حکم و يك عشر هم
برای اجرائیات در صورتیکه وقتی قضیه به طور حکمیت
خانم پیدا کند زحمتی به قاضی متوجه نمیشود بنابراین
چرا باید عشریه بگیرند؟ این است که بنده پیشنهاد کردم
در صورتیکه قضیه به حکمیت خانم پیدا کند از نقطه
نظر اینکه قاضی و محکمه هم نظر دارند عشریه را بگیرند

[بشرح ذیل خوانده شد]

بنده پیشنهاد میکنم مخارج اجرا عشر از عشر مدعی
به که صدی يك باشد معین شود

دهستانی - عرض کنم که این قانون خوب قانونی
است ولی ماده دوازده تقریباً اصل مدعی به را دارد
تقسیم میکنند يك قسمت را که حکم ها میبرند بکقسمت
را هم که اجرا می برد مدعی و مدعی علیه باید روی هم
را بیوسند و بروند این را از آقای وزیر عدلیه تقاضا
میکم که قبول فرمایند که صدی يك بشود

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای
دهستانی آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند

[معدودی برخاستند]

نایب رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای باسائی

[این طور خواند شد]

تبصره ذیل را ماده دوازده پیشنهاد میکنم : تبصره
در صورتیکه حکم ها موفق به اصلاح ذات البین شوند
حق الزحمه آنها نصف خواهد شد

باسائی - بنده فکر میکردم که در ضمن این قانون
این قسمت پیش بینی نشده است که اگر حکم ها موفق
به اصلاح شدند تکلیف چیست ؟ البته نظر این است
که حکم ها سعی کنند قضیه را اصلاح نمایند و از يك
طرف قید نشده که در صورت اصلاح متداعیین باز هم
باید حق الزحمه بدهند چنانچه در عدلیه هم معمول است
که اگر قضیه بصلاح انجامید مخارج محاکمه گرفته نمیشود
و از يك طرف هم اگر حق الزحمه در بین لباشد باعث میشود
که در قضایا از اصلاح زیاد طرفداری نکنند باین جهت
بنده این پیشنهاد را کردم که اگر موفق باصلاح شدند
نصف حق الزحمه را بدهند . حالا اگر آقایان عقیده دارند
که تمام حق الزحمه گرفته شود بنده هم مخالفی ندارم ولی
باید تصریح شود در قانون اگر بتوانند در کار اصلاح
کنند باز هم حق الزحمه را حق خواهند داشت و طوری
نشود که این مسئله باعث بشود اصلاح از بین برود

وزیر عدلیه - عرض کنم نظریکه آقای باسائی دارند
بنده تصور میکنم با این پیشنهاد درست در نباید عرض
میکم اشخاص عادی نمیخواهند که حکم ناحق داده باشند
ولی نمیخواهند هم حق خودشان از بین برود و اگر بنا
باشد مطابق این پیشنهاد عمل شود البته حکم زیر بار میروند
که اصلاح شود و از هزار نفر نهد و نود و نه نفر
عقیدهشان این میشود که اصلاح نشود که حقوقشان را
تمام بگیرند در صورتیکه ما میخواهیم قضایا اصلاح هم
بشود و البته اصلاح هم بدهند حق آنها هشان داده
خواهد شد و حالا تصور میکنم از نقطه نظر نامین همان
نظریکه فرمودند بهترین است استرداد فرمایند

باسائی - استرداد میکنم

نایب رئیس - رأی گرفته میشود بماده دوازدهم بهمان
رتبتي که قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . ماده سیزدهم

بعضی از نمایندگان - مواد الحاقیه مقدم است .

نایب رئیس - بسیار خوب . ماده الحاقیه کمسیون
قرائت میشود .

(بشرح ذیل خوانده شد)

در صورت رضای طرفین در هر مرحله از مراحل
دعوی میتوان به حکمیت رجوع کرد و در اینصورت حکم
حکم قابل تجدید نظر نخواهد بود
بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به ماده الحاقیه که
ماده سیزده میشود آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . دوسه فقره مواد الحاقیه
دیگر هست قرائت میشود .

ماده الحاقیه پیشنهادی آقای مدرس

ماده الحاقیه - هرگاه در محکمه انتظامی معلوم شد
که معرفی محکمه اشخاص را بجهت حکم مشترك کلا یا

بعضاً طبیعی نبوده بلکه مستقیم یا غیر مستقیم مبنی بر
تبائی و مذاکرات سابق بوده حاکم محکمه محکوم به
انفصال ابدی خواهد شد و آن شخص با اشخاص در هیچ
واقعه از برای حکم مشترک معرفی نخواهند شد.

مدرس - این قانون به عقیده تمام آقایان انشاء الله
الرحمن يك قانون مفیدی خواهد شد. تمام این مواد
را که ملاحظه فرمائید جائی که کار را به اشکال می اندازد
و بسا هست نتیجه خوب ندهد آن جائی است
که مسئله از دست متداعیین در برود. متداعیین اولاً
هر کدام يك حکم معین میکنند و البته هر کسی هم که
حکم معین میکنند سعی میکنند کسی که برای خودش
مفید است معین کند اشکال سر آن کسی است که محکمه
معین میکند و اختیار از دست متداعیین خارج میشود

يك اشخاصی را معرفی میکنند برای حکم مشترك حقیقه
اگر محکمه محکمه صالحه باشد باید سعی کند آن فلسفه
که از حکمیت منظور است که به سرعت مسئله تمام
شود انجام بگیرد حالا يك وقت محکمه يك اشخاص
مناسب مطلب را طبیعتاً معین میکنند. مثلاً اگر مسئله
نجاتی است البته میان نجات اشخاصی هستند که محل
وثوق و اطمینان هستند سه چهار نفر از آنها را معین
میکند و البته متداعیین يك اشخاصی را از بین آنها
قبول میکنند البته وقتی که محکمه يك اشخاص صالحی
را معرفی کند ممکن است متداعیین بتراضی بکنفر از آنها
را برای حکم مشترك معین کنند آن وقت مسئله بر میگردد
به اینکه هر کدام از متداعیین بکنفر حکم بمیل خودشان
انتخاب کرده اند و يك سر حکم هم بتراضی معین شده
است و کار بر میگردد بخود اشخاص ولی اگر خبر پیش
با يك اشخاصی مذاکرانی کردند و قرار مدارهائی دادند
یا مستقیم یا غیر مستقیم آمدند به من گفتند آقا شما را
ما معرفی میکنیم دیگر متداعیین که نمیتوانند محکمه را
بجوب ببینند هر کس را که دل خودش میخواهد محکمه
معرفی میکند اگر یکی را رد کنند يك بد زرا بجایش

میگذارد و بالاخره آنهایی که مقصودش را حاصل میکنند
معرفی میکنند و عیب کار حکمیت اینجا است تصدیق
فرمائید که خرابی همین جا می شود زیرا حکم مشترك
در حقیقت حاکم است با این قیدی که کردیم که بصیر
بمطلب باشند هر چه طرفین یکی از آنها را رد بکنند
يك بد زرا بجایش میگذارند قرعه هم که دیگر نشان ندارد
لذا بنده این ماده را که نمیدانم آقایان توجه فرمودند
با نه پیشنهاد کردم که آن حکم مشترك که معرفی باید
طبیعی باشد و اگر در محکمه انتظامی معلوم شد که
يك سابقه مذاکره و قرار دادی در کار بوده است از
ناحیه محکمه چه مستقیم و چه غیر مستقیم و از انفصال
ابدی بشود و آن حکم ها دیگر مرجع حکمیت پیدا
نکنند لذا بنده این پیشنهاد را کردم

نایب رئیس - آقای باسائی
باسائی - پیشنهاد آقای مدرس ظاهراً يك چیز خوبی بنظر
میآید ولی مشکل عملی بشود برای اینکه قضائی که اشخاص
معتدبر را در يك محلی معرفی میکنند نمیشود مقید کرد
که هیچ مذاکره با آنها نشده باشد من باب مثال عرض
میکم اگر يك شخصی را که محل اعتقاد میباشد در يك
محلی قاضی معرفی کرد طرفین هم قبول کردند ولی آن
شخص حاضر شد برای حکمیت و متداعیین خواهش
کردند از قاضی که شما بگو قبول کند فردا محکمه انتظامی
باید بیاید تعقیبش کند که چرا با آن شخص مذاکره
کرده !!! قاضی از نقطه نظر دلسوزی به متداعیین بکنفر
را که معتقد است خوب آدمی است برای حکمیت
معرفی میکند این تبائی نیست بهر جهت این پیشنهادی که
حضرت آقای مدرس فرموده اند يك تضحی است مخصوصاً
هم باعث میشود که هیچ داخل در معرفی نشوند و اگر
هم شدند بيك ترتیبی بشود که بکنفر طرفین تمام نشود یعنی
احتیاطات زیادی بشود که بکنفر طرفین تمام نشود قضیه
مسکوت بگذرد بظن بنده بهتر است برای اینکه مادر
قوانین جزائی يك چیزهائی دارم که اگر قضات بایکی

از طرفین تبائی هائی بکنند يك مجازاتی دارند از نقطه
نظر ارتشاء يك مجازات هائی دارند و در این جا بطور خصوص
لازم نیست دیگر قید شود

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم در موقع خواندن
پیشنهاد درست توجهی نشده باشد و در مذاکرانی که
آقای مدرس فرمودند آن مذاکرات تولید سوء تفاهمی
کرده است چون در مذاکرانشان فرمودند که قبلاً مذاکره
کرده باشد در صورتیکه در پیشنهاد مینویسند طبیعی بوده یعنی
تبائی کرده باشند برای اینکه بکنفری می رود پیش قاضی و بگوید
که من از شما خواهش میکنم قبول فرمائید که وقتی
می خواهید اسامی را بقرعه بگذارید فلان پنج نفر را هم
بقرعه بگذارید این تبائی است و جلو گیری باید کرد
و پیشنهادی هم که ایشان داده اند تصور میکنم شما هم
موافق باشید و گمان میکنم در موقع خواندن درست
دقت فرمودید و در موقع بیاناتشان که توضیح میدادند
سوء تفاهمی پیدا شد.

مخبر - قسمت اول پیشنهاد آقای مدرس خیلی
خوب است چون راجع است بجلو گیری از تعاطی و
تبائی هائی بین قضات و متداعیین. این خیلی صحیح
است یعنی مطابق موازین و اصول است ولی اگر در
محکمه انتظامی تشخیص و تحقیق شود که قاضی تبائی
کرده است با احد از متداعیین این تبائی مسئولیتش
توجه حکم طرفین بشود این صحیح نیست برای اینکه
گمان است که آنها از تبائی بین قاضی و یکی از متداعیین
بلاع نداشته باشند و در نتیجه عمل یکی از متداعیین
من قضیه بعمل آمده باشد و اثر اینطور باشد حکم
را مسؤل باشد ؟ مسؤلیت حکم وقتی معلوم میشود
حکم مفرضانه داده باشد و اگر اینطور نشده باشد
اینکه مسبوق هم باشد مسؤلیتی متوجه آنها نباید
رود و این صحیح نیست باین جهت بنده استدعا میکنم
آقا که همان قسمت اول پیشنهاد را قبول فرموده و
قسمت ثانی را مسترد فرمایند اینطور بهتر است هر گاه

در محکمه انتظامی معلوم شود که یکی از قضات با یکی از
متداعیین برای تعیین حکم مشترك تبائی کرده محکوم
بافصال ابدی خواهد شد [کافی است و قسمت آخر
بعقیده بنده زائد است

بدر - بنده با جزء اولش هم مخالفم :

نایب رئیس - بدون اجازه چرا صحبت میکنید
آقا

بدر - بنده عضو کمیسیون هستم

نایب رئیس - باشید

مدرس - بنده قسمت اخیر را راجع باشخاص پس
میکیرم.

مخبر - در حال بنده قسمت اول را قبول کردم
قسمت ثانی را هم خود آقای مدرس استرداد فرمودند
حالا باید رأی گرفته شود

بکنفر از نمایندگان - قرائت شود

[این قسم قرائت شد]

هر گاه در محکمه انتظامی معلوم شد که معرفی محکمه
اشخاص را بجهت حکم شدن کلاً یا بعضاً طبیعی نبوده
بلکه مستقیم یا غیر مستقیم مبنی بر تبائی و مذاکرات
سابقی بوده حاکم محکمه محکوم بانفصال ابدی خواهد شد
و آن اشخاص ...

مخبر - دیگر آن اشخاص را نمی خواهد. باید نوشته
شود در آن آخر که محکوم بانفصال ابدی خواهد شد

رفیع - اجازه میفرمائید؟ این يك ماده الحاقیه است
پیشنهاد نیست حالا که مخبر قبول کرد باید موافقین و
مخالفین حرف بزنند

نایب رئیس - نمیشود آقا صحبت کرد. رأی میکنم
به پیشنهاد آقای مدرس که ماده ۱۴ خواهد شد آقایان
موافقین قیام فرمایند

[اکثر قیام نمودند]

نایب رئیس - تصویب شد. پیشنهاد دیگر آقای مدرس

[این قسم قرائت شد]

ماده الحاقیه - نسبت به دعای حقوقی که فعلا در مراحل بدوی مطرح است هرگاه یکی از متداعین در جلسه اول بعد از تصویب این قانون تقاضای حکمیت نماید بر طبق این قانون رفتار خواهد شد.

مدرس - آقایان اعضاء کمیسیون بمن ابراد فرمایند که چرا این مطالب را در کمیسیون نگفتی چون بعضی مذاکرات هست که در ضمن مباحثات مجلسی شخص ملتفت میشود و الا سوء ادبی نشده است نسبت باعضاء کمیسیون - عرض میشود مسئله آنوقتی که ما شروع کردیم بقانون حکمیت شاید این قانون حکمیت برای خیلی کسان نافع باشد و برای بعضی ها مضر باشد لابد قهراً دعای يك نهاجی در عدلیه پیدا کرده است که آنها را اگر بخواهیم بگذاریم در جریان خودش بگذرد ۶ ماه يك سال دو سال پنج سال طول خواهد کشید و مردم هم معطل اند و اگر بخواهیم آنها را هم راحت کنیم این پیشنهاد خیلی مفید است بنده پیشنهاد کردم که این دعای که فعلا در محاکم ابتدائی مطرح است بعد از تصویب این قانون در هر کجا هست اگر در جلسه اول یکی از متداعین تقاضای حکمیت کرد این قانون جاری شود نسبت باو چون نسبت بانیه قبل از شروع رسیدگی است ولی نسبت باین مسائلی که مطرح است در مراحل ابتدائی اگر در وسط رسیدگی هم هست در جلسه اول بعد از تصویب این قانون بتواند یکی از آنها تقاضای حکمیت بکند این قانون جریان پیدا بکند گمان این است که نافع باشد (صحیح است)

مخبر - اگر يك کلمه آقای مدرس اضافه کنند به پیشنهادشان بنده قبول میکنم و آن این است که بنویسند قبل از اعلان ختم محاکمه

مدرس - البته صحیح است بنده قبول میکنم

مخبر - با این قید بنده قبول میکنم

نایب رئیس - ماده الحاقیه با اصلاحی که شده قرائت میشود و رای میکنیم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه - نسبت بدعای حقوقی که فعلا در مراحل بدوی مطرح است هرگاه یکی از متداعین قبل از اعلان ختم محاکمه در جلسه اول بعد از تصویب این قانون تقاضای حکمیت نمایند بر طبق این قانون رفتار خواهد شد

مخبر - عرض کنم که حالا بنده متوجه شدم اضافه شدن این جمله موردی ندارد چون آقا نوشته اند در اولین جلسه محاکمه که بعد از تصویب این قانون خواهد شد و البته اگر محاکمه اعلان ختمش شده باشد دیگر جلسه برایش تشکیل نمیشود بنابر این همانطور که اول پیشنهاد را نوشته بودند قبول میکنم

مدرس - خیلی خوب ولی ضرری هم نداشت نایب رئیس - رای میکنیم باین ماده الحاقیه که ماده ۱۵ خواهد شد آقایان موافقین قیام فرمایند (جمع کثیری برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد ماده الحاقیه دیگر (این قسم قرائت شد)

امضاء کنندگان ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنیم نسبت بدعای منقول که يك طرف دولت باشد و بعد از تاریخ تصویب این قانون تولید شود و ناشی از اعمال تصدی دولت باشد و همچنین دعای غیر منقول که يك طرف دولت باشد اعم از اینکه قبل از این تاریخ تولید شده باشد یا بعد از آن تولید شود بشرط ناشی بودن از اعمال تصدی دولت بطریق حکمیت و مطابق مواد فوق رفتار میشود و سایر دعای که يك طرف دولت بطریق اداری قطع و فصل میشود نسبت بدعای فوق که قبل از این تاریخ در عدلیه طرح شده است در صورتی که حکم راجع بانها هنوز قطعی نشده باشد در هر مرحله از مراحل دعوی میتوان تقاضای حکمیت کرد

تبصره اول - اعمال تصدی اعمالی است که دولت از نقطه نظر حقوق مشابه اعمال افراد انجام میدهد مانند خرید

و فروش املاک و غلات و اجاره و استجاره و امثال آن تبصره دوم - دعای بین بانک ایران (بانک استقراضی سابق) و افراد دولت محسوب نشده تابع قوانین عمومی است فهیمی - غلامحسین - مدرس

فهیمی - آقایان تصدیق میفرمایند که یکی از مسائلی که فوق العاده اسباب زحمت از برای مردم شده است و ادارات و وزارتخانهها هم نسبت باین قسم از دعای بی تکلیف هستند دعای که يك طرف آن دولت است چند ماه قبل وزارت عدلیه يك لایحه پیشنهاد کردند بمجلس شورای ملی برای این موضوع . لایحه مزبور بلا تعقیب مانده است تا بحال در موقعی که این لایحه حکمیت را دولت پیشنهاد کرد در چند شب قبل آقای وزیر عدلیه يك لایحه دیگری پیشنهاد کردند که در تعقیب آن لایحه دعای بین افراد و دولت هم بطریق حکمیت قطع و فصل شود بنده با بعضی از آقایان : آقای مدرس و بعضی دیگر مذاکره کردیم دیدیم که اگر این مطلب را بتأخیر بیندازیم يك امر مهمی است و خوب نیست بتعویق بیفتد لذا اینطور مقتضی دانسته که يك ماده ضمیمه این لایحه بشود که تکلیف این قسمت هم معلوم شود اینکه دعای بین دولت و افراد تا کنون بلا تعقیب و بلا تکلیف مانده است بجهت این است که اعمالی را که دولت متصدی است و اسباب تعرض و ابراد واقع میشود از دو قسم خارج نیست بعضی اعمالی است که بعنوان نمایندگی قوه عمومی و مجری قانون اقدام در آن میکنند مثل وصول مالیات فرضاً کسی مالیاتش را نداده دولت باید او را تعقیب کند و از دارائی او توقیف کرده وصول کند و این موضوع عملی نیست که قوه قضائیه بتواند در آن رسیدگی کند افراد هم نمیتوانند رسیدگی کنند . اینها را اعمال حاکمیت دولت میدانند ولی بعضی عملیات دیگر هست که دولت نسبت بان افراد آن عملیات را میکند مثلاً دولت ملکی را اجاره میکند یا میخرد یا میفروشد در اینقسم از معاملات

که يكطرف دولت باشد هیچ فرقی با افراد ندارد و البته این قسم دعای باید در عدلیه مطرح شود و محاکمه شود و قطع و فصل شود ما در ماده الحاقیه پیشنهاد کردیم که اولاً آن قسمت از عمل دولت که ناشی از حق حاکمیت دولت است آن را کنار گذاریم که بطریق اداری حل و فصل شود فقط باقی مانده است آنچه از اعمال تصدی دولت باشد آنها را رجوع بدعای منقول است که از این تاریخ بیعت تولید میشود . . .

نایب رئیس - آقای فهیمی توجه ب ماده ۷۹ هم بفرمائید . . .

بعضی از نمایندگان - ماده ۶۳

فهیمی - که از این تاریخ بیعت تولید میشود مطابق همین قانون حکمیت فصل و قطع میشود و آنچه که متعلق بغير منقول است اعم از اینکه قبل از این تاریخ باشد یا بعد از آن بطریق حکمیت قطع شود و آنچه که راجع بان الان در عدلیه مطرح است و تا کنون حکم راجع بانها قطعی نشده است حق داشته باشند تقریباً بموجب آن ماده که آقای مدرس پیشنهاد کرده اند عمل نمایند و یکی هم راجع است ببانک استقراضی که معلوم نیست آیا جزو مؤسسات دولتی محسوب میشود یا جزو مؤسسات تجاری است آنها تصریح شده است در این پیشنهاد که جزو مؤسسات دولتی محسوب نمیشود و تجاری است و باید مطابق قوانین عمومی حل و عقد شود و بنده تصور میکنم که این ماده خیلی از دعای را قطع کرده و کارها را تسهیل میکند نایب رئیس - ماده ۷۹ قرائت میشود آقایان ملاحظه فرمایند .

(این قسم قرائت شد)

ماده ۷۹ - هر اصلاح یا ماده الحاقیه که در ضمن مباحثات اظهار میشود باید دلائل آن بطور اختصار بیان شود و در صورتیکه وزیر یا مخبر کمیسیون تقاضا نماید باید آن اصلاح یا ماده الحاقیه بکمیسیون رجوع شود . هرگاه ارجاع بکمیسیون تقاضا نشود در باب قبول

توجه از مجلس رای خواسته میشود مجلس پس از استماع اظهارات مخبر کمیسیون در این باب رای میدهد .
اصلاح باماده الحاقیه در صورت قبول توجه بکمیسیون ارجاع میشود .

نایب رئیس - عرض کنم آن قسمتی که بعضی از آقایان میفرمایند راجع بماده ۶۳ است . موارد فوری را ماده ۷۹ معین می کند . ماده الحاقیه - پیشنهادات و اصلاحاتی که میشود باید بطور اختصار پیشنهاد دهند اظهارات خود را بکنند و مخبر یا وزیر قبول کند یا رای گرفته شود . . .

وزیر عدلیه - اجازه می فرمائید ؟

نایب رئیس - قدری تأمل فرمائید . و فقط

مخبر و وزیر میتوانند اظهار عقیده بکنند

مدرس - و سایر امضا کنندگان پیشنهاد

وزیر عدلیه - عرض کنم که این ماده الحاقیه که پیشنهاد شده است در يك قسمتهاش عین همان لایحه است که چندی قبل از این دولت تقدیم کرده است و رفته است بکمیسیون عدلیه ولی بنده اینطور استنباط می کنم بواسطه این که فکر اغلب آقایان حالا حاضر نیست و مطالعه نکرده اند بهتر این است که آقا موافقت فرمایند و این پیشنهادشان را پس بگیرند و بعد از تصویب شدن این قانون لایحه دولت خبرش از کمیسیون بیاید و یک مرتبه تکلیفش معلوم میشود

فهمی - بنده موافقت میکنم با نظر آقای وزیر عدلیه

نایب رئیس - مسترد کردید ؟

فهمی - بلی .

نایب رئیس - پیشنهاد آقای استرابادی

(این قسم قرائت شد)

ماده الحاقیه - کلیه دعاوی غیر منقول دولت بر افراد و افراد بر دولت مطابق این قانون قطع و فصل می شود :

(اکثر برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد . ماده ۱۴ که ماده ۱۷ میشود مطرح است

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۱۷ - وزارت عدلیه مأمور اجرای این قانون است روحی - بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام

نایب رئیس - بلی قرائت میشود

[این قسم قرائت شد]

این قانون پس از تصویب بموقع اجرا گذاشته شده و وزارت عدلیه مأمور اجرای آن است .

وزیر عدلیه - بنده نمی میکنم که دیگر توضیح ندهند قبول می کنم اگر هم پیشنهاد نمی کردند حقیقه همین طور بود

نایب رئیس - آقای مخبر چطور

مخبر - بنده هم می پذیرم

نایب رئیس - رای میگیریم بماده ۱۷ با این اصلاح آقایان موافقین قیام نمایند

[جمع کثیری برخاستند]

نایب رئیس - تصویب شد در شور کلیات مخالفی نیست ؟

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم .

نایب رئیس - بفرمائید .

آقا سید یعقوب - بنده يك پیشنهادی در ماده ۱۰ داده بودم که تفهیمم چطور شد مقام ریاست فرمودند نیست حالا عرض میکنم که نظریه بنده تأمین شود . در ماده ۱۰ نوشته است با حکمیت در مواد ذیل مرفوع می شود :

۱ - در صورت رضای طرفین ۲ در صورت فوت یا جنون یکی از متداعین و ۳ چیز دیگر ولی در این موارد هیچ نوشته است که حق الزحمه که در ماده ۱۲ برای حکمها معین شده است دیگر مورد ندارد و اینجا باید تصریح کنند که حق الزحمه داده نمیشود این نظریه بنده را باید تأمین کنند .

مخبر - بنظر بنده از خود این ماده هم این مطلب مفهوم میشود گویا آقا درست توجه فرموده اند و الا مقصود آقا حاصل است چون این ماده راجع است بوقتی که هنوز رأی داده نشده است و باین جهت اصل این قرارداد حکمیت در موقع عدم صدور رأی کان لم یکن میشود و چون در ماده بعد قید شده است که این حق الزحمه منوط بصدر رأی حکم است بنا بر این نظر آقا تأمین شده است

جمعی از نمایندگان - رأی بگیرد مخالفی نیست

نایب رئیس - رأی میگیریم باین قانون که مشتمل بر

۱۷ ماده است آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد . پیشنهادی رسیده است

راجع به ختم جلسه .

(این قسم قرائت شد)

پیشنهاد میکنم جلسه بعد از قانون حکمیت ختم شود

حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - الان شش ساعت از شب گذشته

است و همه خسته شده اند و اگر لایحه دیگری هم

مطرح شود

عده از آقایان کان میکنم تشریف ببرند و اکثریت

حاصل نشود از این جهت بنده پیشنهاد کردم جلسه ختم

شود و بی جهت معطل نشوم

نایب رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - اطلاع بنده از اینکه آقای وزیر مالیه

يك لایحه که از حیث احتیاج مملکت بتصویب آن نهایت

اهمیت را دارد و حالا تقاضای تصویب آن را میکنند

بنده را وادار کردند با این پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات

مخالفت کنم . این لایحه راجع است باعتباری که رفع

احتیاج از نظمی و امنیه مملکتی میکند و باید ما

علاقه مند باشیم باینکه این مؤسساتی که شب و روز

مشغول انجام وظیفه هستند حقوق آنها در آخر ماه به

قانون حکمیت

مصوب لیل بیست و نهم اسفند ماه یک هزار و سیصد و شش شمسی

ماده ۱ - هرگاه در دعوی حقوقی یکی از متداعین محکمه صلح - بدایت و تجارت از محکمه تقاضا کند قطع دعوی بطریق حکمیت انجام گیرد محکمه طرف دیگر دعوی را بموافقت با این تقاضا تکلیف و مطابق مواد ذیل رفتار خواهد کرد مشروط بر اینکه تقاضای حکمیت تا آخر جلسه اول محاکمه بعمل آمده و دعوی در آن محکمه بدایتاً طرح شده باشد

ماده ۲ - هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی بشود و مدعی علیه در موعد مقرر تعیین حکم نماید محکمه از طرف متنع حکم او و همچنین حکم ثالث را بقرعه مطابق ماده ۴ تعیین خواهد کرد - هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی علیه بشود و مدعی امتناع نماید دعوی توقیف و چنانچه تا دو ماه مدعی حکم خود را معین ننماید محکمه قرار رد عرضحال را صادر خواهد نمود و این قرار قابل استیناف و تمیز نیست

ماده ۳ - محکمه در محاکمات عادی بعد از وصول اولین جواب کتبی مدعی علیه و در محاکمات اختصاری بعد از استماع جواب مدعی علیه در اولین جلسه قرار حکمیت صادر کرد ولی قبل از صدور قرار حکمیت باید با برادرات مدعی علیه رسیدگی کرده قرار رد یا قبول برادر را بدهد این قرار قابل استیناف و تمیز است

هرگاه پس از رأی محاکم عالی یا بواسطه انقضاء مدت استیناف و تمیز قابل استماع بودن دعوی و صلاحیت محکمه و متداعین محرز شد محکمه قرار ارجاع حکمیت خواهد داد - این قرار قابل استیناف و تمیز نیست

ماده ۴ - ممکن است طرفین بکنفر را بتراضی برای حکمیت انتخاب کنند و ممکن است هر کدام يك حکم معین کرده و حکم ثالث را بتراضی تعیین نمایند هرگاه در تعیین حکم ثالث تراضی نشود محکمه در جلسه که برای تعیین حکم و تنظیم حکم نامه مقرر داشته با حضور متداعین از بین عدده از اتباع ایران که کمتر از سه نفر نباشد و محکمه آنها را نسبت بسنخ دعوی بصبر و خیر بپردازد حکم ثالث را بقرعه معین خواهد کرد

تبصره - صورت اسامی اشخاصی که بقرعه گذاشته خواهد شد سه روز قبل از جلسه باید بطرفین داده شود

ماده ۵ - اشخاص ذیل نمیتوانند حکم ثالث شوند و خود آنها نیز باید از قبول حکمیت امتناع نمایند مگر بتراضی طرفین

(ا) کسی در دعوی مطروحه ذینفع باشد

(ب) کسیکه شخصاً یا زوجه اش یا یکی از متداعین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سیم دارد

(ج) کسیکه قیم یا کفیل یا مباشر امور یکی از متداعین است یا یکی از متداعین مباشر امور اوست

(د) کسیکه خود یا زوجه اش وارث یکی از متداعین است

(ه) کسیکه یا یکی از متداعین یا اشخاصیکه با آنها قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارد محاکمه جنائی یا جنجه داشته یا دارد

(و) کسیکه مابین او یا زوجه او یا اقربای نسبی او تا درجه سوم و یکی از متداعین یا زوجه او یا اقربای نسبی تا درجه سوم دعوی حقوقی مطرح است

تبصره - امتناع فوق الذکر ورد از طرف متداعین باید از طرف حکم قبل از قبول حکمیت و از طرف

آنها برسد و تشویق بشوند این است که بنده تقاضا میکنم آقای حاج شیخ بیانات پیشنهاد خود نشان رامسئرد بفرمایند و اگر مسئرد بفرمایند از آقایان محترم استدعا کنم که رای ندهند باین پیشنهاد

نایب رئیس - عده برای اخذ رای کافی نیست چون عده کافی نیست عجلتاً برای شرفیابی روز عید استقراع بعمل میآید...

بکنفر از نمایندگان - تنفس داده شود.

جمعی از نمایندگان - خیر حالا موقع گذشته است يك مرتبه جلسه را ختم میکنم

روحی - دو نوبت باید استقراع شود. اجازه می فرمائید؟

نایب رئیس - بفرمائید

روحی - عرض کنم که عید نوروز یکی از مفاخر عجم است و بزرگترین عید ملی ما ایرانیان عید نوروز است. آقا سید یعقوب - به به

روحی - این که حالا آقای آقا سید یعقوب به به میفرمایند احادیث و اخباری را که راجع باین موضوع رسیده است بخوانند و مراجعه بفرمایند. بنا بر این یکمده باید برای روز عید نوروز سلطانی معین شوند یکمده هم برای عید روز جمعه عید فطر

نایب رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - البته اهمیت عید نوروز بر همه آقایان معلوم است و در شرع مقدس هم بالاخره احادیث و ادعیه برای این عید وارد شده است و حقیقه امام هم می فرمایند که ایرانیان مسلمان این عید را عظمت

(مجلس شش ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

دادند و همه ما هم موافق با شما هستیم ولی باید دید که آیا در روز عید نوروز سلام هست یا نیست؟ روز عید نوروز سلام نیست و آقایان نمایندگان عموماً مشرف خواهند شد و خوب است که آقا هم موافقت نمایند همان يك دفعه باشد. (صحیح است)

(افتراع بعمل آمده این قسم نتیجه حاصل شد)

آقایان: عصر انقلاب - جهانشاهی - طباطبائی و کبلی

فیروز آبادی - معظمی - میرزا ابراهیم خان الفخمی -

حاج آقا حسین زنجانی - آقا سید کاظم بزدی - دادگر

نایب رئیس - خوب عده که برای رای کافی نیست

پس جلسه ختم میشود دو پیشنهاد راجع بجلسه آینده

شده است یکی از طرف آقای ارباب کیخسرو و دیگری

از طرف آقای اعتبار. آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - با اینکه بنده معتقد هستم که هر چه

کتر تعطیل کنیم بهتر است و زودتر کارها بگذرد

و مترصد هم بودم يك همچو پیشنهادی زودتر يك نفر

بدهد ولی از طرف دیگر يك قسمت از عمارت محتاج

به تعمیراتی شده است و این تعمیرات لااقل سیزده چهارده

روز طول خواهد کشید. این است که بنده استدعا

می کنم اگر آقایان موافقت می فرمایند جلسه آتی برای

روز ۱۴ فروردین مقرر شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

نایب رئیس - مخالفی نیست؟

(سکفته شد خبر)

نایب رئیس - جلسه آتی سه شنبه ۱۴ فروردین

ماه سه ساعت و نیم قبل از ظهر

متداعین قبل از قرعه بعمل آید مگر اینکه علت رد و امتناع پس از قرعه و قبل از صدور رای حکمیت ایجاد گردد.

ماده ۶ - کسانی بوسیله قرعه میتوانند حکم شوند که سن آنها بالغ بر سی سال شمسی شده - در مقر محکمه حضور داشته و طرفین قبل از قرعه در رد آنها متفق نباشند - قضاة و اعضاء پارک نمیتوانند در حوزه ماموریت خود قبول حکمیت نمایند مگر بتراضی طرفین

محکومین بجنحه و جنایت و اشخاصیکه بعنوان جنحه و جنایت در تحت تعقیب هستند نمی توانند مطلقاً بحکمیت معین شوند

ماده ۷ - پس از تعیین حکم محکمه قرار نامه حکمیت را تنظیم کرده و فوراً بامضای طرفین دعوی و منتها در ظرف سه روز بامضای حکمها میرساند هرگاه یک یا چند نفر از حکمها از قبول حکمیت استنکاف نمایند در ظرف سه روز پس از استنکاف بجای استنکاف مطابق ماده هشتم تعیین حکم خواهد شد - پس از قبول حکمیت حکمها بکنفر از بین خود معین خواهند کرد که محکمه سواد اوراق و اسناد طرفین را پیش او بفرستد - در صورتی که حکم بکنفر باشد سواد اوراق و اسناد پیش او فرستاده میشود در قرار نامه حکمیت نکات ذیل قید میشود

(ا) اسم و اسم خانواده و شغل متداعین و حکم

(ب) میزان مدعی به ترتیبی که در مواد راجع بمعرض حال مقرر است

(ج) مدت حکمیت

مدت حکمیت را که کمتر از سه و بیش از سی روز نخواهد شد محکمه معین مینماید و ابتدای آن از روزی است که تمام حکمها کتباً حکمیت را قبول نموده اند

محکمه میتواند مدت حکمیت را بتقاضای اکثریت حکمها بکمتر بیه و بتراضی طرفین دعوی هر چند باز که تقاضا نمایند تجدید کند

کسیکه قبول حکمیت کرد و قبل از اتمام عمل و دادن رای بدون عذر موجه استعفاء نمود تا ده سال در هیچ قضیه نمیتواند حکم شود مگر بتراضی طرفین

ماده ۸ - در صورتیکه یکی از حکمها ناسه جلسه ماطله و مسامحه از حضور نماید یا اصلاً سه جلسه حاضر نشود بترتیب ذیل رفتار خواهد شد

(ا) هرگاه حکم مشترك حاضر نشود دو حکم دیگر رسیدگی کرده رای خود را در صورت توافق در ظرف پنج روز خواهند داد و الا محکمه بتقاضای یکی از متداعین بر طبق ماده ۴ حکم مشترك دیگری تعیین مینماید

(ب) در صورت عدم حضور حکم مختص یکی از متداعین حکم مشترك فوراً توسط محکمه کتباً تعیین حکم دیگری را از طرف تقاضا خواهد کرد

چنانچه از تاریخ ابلاغ تقاضای مزبور تا پنج روز حکم جدید حاضر نشود حکم مشترك و حکم مختص دیگر رسیدگی نموده رای خواهند داد و در صورت عدم توافق محکمه بر طبق ماده ۴ حکم مختص را به قرعه معین خواهد کرد.

حکمها در رسیدگی و حکم تابع مقررات قانون اصول محاکمات حقوقی نیستند ولی باید مخالفت با قوانین و شرایط قرار داد حکمیت ننمایند

متداعین اسناد و مدارک و اوراق خود را بحکمها داده و حکمها میتوانند از آنها توضیحات شفاهی بخواهند در رأی حکم باید اسم و شهرت متداعین و حکم و موضوع منازعه و اسناد و مدارک و دلایل رأی تصریح شود

هرگاه پس از ختم رسیدگی دو نفر از حکمها در رأی توافق نموده و حکم دیگر از امضاء رای امتناع نماید سایرین امضاء نموده و این امتناع را در حکم قید مینمایند - حکمیکه بامضای اکثریت حکمها رسیده است آن اعتبار را دارد که بامضای تمام حکمها رسیده باشد

محکمه که قرار حکمیت داده مطابق رای حکم و رفته اجرائیه صادر خواهد کرد

ماده ۹ - از حکم حکم غیر منفرد ده روز پس از ابلاغ میتوان تقاضای تجدید نظر کرد مگر اینکه در قرارداد حکمیت بتراضی این حق را اسقاط نموده باشند

هیئت تجدید نظر تشکیل میشود از دو حکم مختص سابق بانضمام سه نفر از اشخاصیکه با بتراضی باطریق ذیل معین میشوند محکمه از بین شش نفر از اشخاصیکه نسبت بسنخ دعوا آنها را بصیر میداند و ظرفین دعوا در رد آنها اتفاق مینمایند سه نفر را بقرعه معین میکند حکم هیئت تجدید نظر قطعی است

تبصره ۱ - در دعوی که مدعی به بیش از ده هزار تومان است بجای تجدید نظر فوق مستألف بشرط دادن ودیعه (صدی چهار محکوم به) میتواند تقاضا کند که محکمه استیناف صلاحیت دار در رأی حکمهای بدوی تجدید نظر نماید - حکم استیناف در صورتیکه رای حکم را تأیید کند قابل تمیز نیست و این استیناف مانع از تأدیبه حق الزحمه حکمهای بدوی نخواهد بود

تبصره ۲ - راجع بودیعه موافق ماده ۴۹۸ قانون اصول محاکمات حقوقی رفتار خواهد شد

ماده ۱۰ - در موارد ذیل حکمیت مرفوع میشود

(ا) در صورت تراضی طرفین که باید کتباً بمحکمه ابلاغ شود

(ب) در صورت فوت یا جنون یکی از متداعین

(ج) اگر در حین رسیدگی کشف اوضاع و احوالی شود که مربوط بجنحه و جنایت و در حکم حکم نافذ و مؤثر بوده و تکفیک جهت حقوقی از جزائی ممکن نشود

ماده ۱۱ - حکمها مکلف هستند رأی خود را در مدت حکمیت بدهند و در صورتیکه رأی حکم پس از انقضای مدت حکمیت صادر شده باشد محکمه بتقاضای یکی از متداعین آنرا فسخ مینماید

در موارد ذیل رای حکم باطل و از درجه اعتبار ساقط است

(ا) در صورتیکه حکمها خارج از حدود اختیارات خود نسبت بمطلبی که موضوع حکمیت نبوده حکم داده باشند

(ب) وقتیکه بر خلاف سند رسمی حکم شده باشد

(ج) وقتیکه طرفین بتوافق حکم حکم را رد نمایند

ماده ۱۲ - حق الزحمه هر بکنفر حکم بدوی ریم عشر مدعی به است که طرفین دعوی بالسر به خواهند داد مگر اینکه حکم در رأی خود تقسیم را بین متداعین بطریق دیگر قرار بدهد حق الزحمه

حکم های مشترك که برای تجدید نظر تعیین میشوند سه ربع عشر مدعی به است که فقط کسی که تقاضای تجدید نظر کرده است خواهد پرداخت حق الزحمه پس از رسیدگی و قطعی شدن رای در صورت تقاضای تجدید نظر پرداخته میشود و محکمه مربوطه مسؤول وصول و ابصال آن خواهد بود

نصرت - مخارج عدلیه پیش از آنچه در وقت تقدیم عرضحال داده میشود نخواهد بود و در صورت اقدامات اجرائی حق اجرا دوعشر عشریه است

ماده ۱۳ - در صورت راضی طرفین در هر مرحله از مراحل دعوی میتوان بحکمیت رجوع کرد و در اینصورت حکم حکم قابل تجدید نظر نخواهد بود

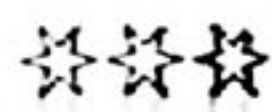
ماده ۱۴ - هر گاه در محکمه انتظامی معلوم شد که معرفی محکمه اشخاصی را بجهت حکم مشترك کلاً یا بعضاً طبیعی نبوده بلکه مستقیم یا غیر مستقیم مبنی بر تلبانی و مذاکرات سابقه بوده حاکم محکمه محکوم بانفصال ابدی خواهد شد

ماده ۱۵ - نسبت بدعای حقوقی که فعلاً در مراحل بدوی مطرح است هر گاه یکی از متداعیین در جلسه اول بعد از تصویب اینقانون تقاضای حکمیت نمایند بر طبق اینقانون رفتار خواهد شد

ماده ۱۶ - مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ اصول محاکمات حقوقی ملغی است

ماده ۱۷ - این قانون پس از تصویب به موقع اجری گذاشته شده و وزارت عدلیه مأمور اجرای آن است. این قانون که مشتمل بر ۱۷ ماده است در جلسه لیله بیست و نهم اسفندماه یکم هزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا



قانون

دویست هزار تومان اعتبار برای خرید کشتی مسلح و اجازه استخدام صاحب منصب و مهندس

میکانیکی بحریه از ایتالیا

مصوب لیله سه شنبه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده اول - مجلس شورای ملی مبلغ دویست هزار تومان از عوائد سنه ۱۳۰۷ بدوالت برای مخارج ذیل اعتبار می دهد.

الف - خرید کشتی مسلح برای حفاظت سواحل خلیج

ب - تعمیر کشتیهای موجوده

ماده دوم - دولت مجاز است يك نفر صاحب منصب بحریه و يك مهندس ميكانيك چي از اتباع دولت ایتالیا برای مدت سه سال استخدام نماید و حقوق آنها سالیانه جمعاً از يك صد و پنجاه هزار قران نباید تجاوز کند - برای خرج مسافرت هر يك از آنها ایاباً و ذهاباً چهار هزار قران پرداخته خواهد شد

نصرت - دولت مجاز است حقوق ۱۳۰۷ متخصصین مزبور و خرج ایاب آهارا از محل دویست هزار تومان مصوبه ماده اول پرداخت و برای سنوات بعد اعتبارات لازمه را برای اینمخارج در بودجه هر سال منظور دارد

ماده سوم - وزارت مالیه و وزارت جنگ مأمور اجرای اینقانون هستند

اینقانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه لیله ۲۹ اسفند ماه یکم هزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا